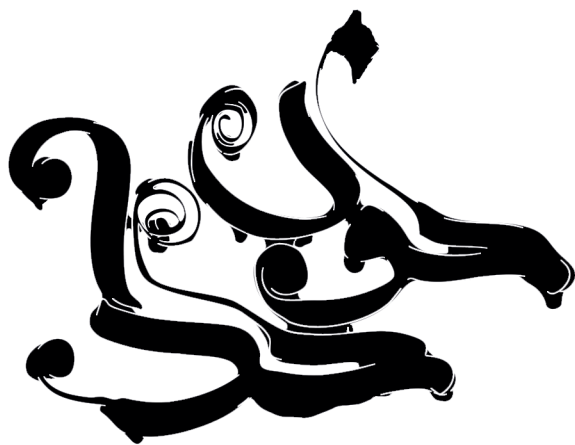




خون خدا

ویژه اولین آیین تجلیل از پیر غلامان
و ستایشگران اهل البیت (ع) استان البرز

موضوع: مجموعه سبک های سینه زنی استان البرز
گردآوردندگان: علی اشتری و مهدی توزنده جانی
نوبت و تاریخ چاپ: اول-۱۳۹۴
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان به همراه سی دی
چاپ و توزیع: سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری کرج



مجموعه سبک های سینه زنی محرم ۹۴
استان البرز



شاعران و سبک سازان



- نوحه ۱: شعر:.....امیر اشتری
زمینه ۱: شعر و سبک :..... محمد نداف پور
زمینه ۲: شعر و سبک: صادق اویسی
زمینه ۳: شعر و سبک: وحید قاسمیان
زمینه ۴: شعر و سبک:..... ناصر دودانگه
زمینه ۵: سبک:..... جعفر خدری
شعر شب سوم:..... معین خلج
شعر شب هفتم:..... محمد نجاری
شعر شب هشتم:..... حسین نوری
شعر شب تاسوعا:..... کوه انداز
شعر شب عاشورا:..... جعفر خدری
زمینه ۶ و ۷ : شعر و سبک:..... مسعود صفری
زمینه ۸ : شعر و سبک:..... مهدی توزنده جانی
زمینه ۹: شعر و سبک: رضا رسولی
واحد سنگین ۱ و ۲ : شعر و سبک:..... محسن طالبی پور
واحد وسط ۱ و ۲ و ۳ و ۴: سبک:..... جعفر خدری
شعر واحد وسط ۱:..... محمد نجاری
شعر واحد وسط ۲:..... بهرام صیادی
شعر واحد وسط ۳ و ۴:..... جعفر خدری
واحد وسط ۵ : شعر و سبک :..... مسعود صفری
واحد وسط ۶ : شعر و سبک:..... مهدی سعیدی
واحد جفت : شعر و سبک : مهدی سعیدی
تک ایستاده : شعر و سبک : جعفر خدری
شور ۱ و ۹ : شعر و سبک : مهدی سعیدی
شور ۲: شعر و سبک : صادق اویسی
شور ۳ و ۴ و ۵ و ۶ : شعر و سبک : جعفر خدری
شور ۷: شعر و سبک : ناصر دودانگه
شور ۸: شعر و سبک : رضا رسولی
شور شهدایی ۱ : سبک و شعر :..... صادق اویسی
شور شهدایی ۲ : سبک و شعر :..... محسن طالبی پور
شور شهدایی ۳ : سبک و شعر :..... وحید قاسمیان





نوحوا علی الحسین علیه السلام

جایگاه بی بدیل اشعار آهنگین و در یک کلمه « نوحه » در اقامه عزای سالار شهیدان و نیز جایگاه کم نظیر آن در تبیین معارف رفیع اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خادمین این عرصه را بر آن داشت تا به بهانه برگزاری اولین کنگره تجلیل از پیر غلامان و ستایشگران اهل بیت علیهم السلام در استان البرز و به پشتوانه توان بالای شاعران و سبک سازان استان و استعداد های رو به رشد در این زمینه، نسبت به تهیه و تدوین مجلد حاضر به مدد توجهات حسینی علیه السلام اقدام نمایند. شایان ذکر است معیار و مناط گردآوردندگان این مجموعه، دغدغه ها و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در این زمینه و توجه به اولاً فاخر بودن و ثانیاً عصمت نوا و شعر از آفات و آسیبهای شایع امروز بوده است.

امید است آنچه در این پیشکش به رشته طبع و زیور نغمه آراسته شده است مرضی رضای مادر سادات سلام الله علیها باشد.

گردآوردندگان





«نوحه ۱»

در شبهای محرم ، زیر بیرق و پرچم
مست جام حسینم
اشکم غسل زیارت ، من از روز ولادت
وقف نام حسینم
چشمه ی جوشان زندگی ، اشک عزای تو
تا ابد قبله ی بندگی، کرب و بلای تو
ثار الله ابی عبد الله

بین کوچه و بازار ، تکیه داده به دیوار
مرغ نامه بر تو
شد ابروی شکسته، بال زخمی و خسته
نذر چشم تر تو
سرگشته و حیران تو ام ، در دل کوچه ها
دلواپس طفلان تو ام ، ای شه کربلا
ثار الله ابی عبد الله

روی دار الاماره ، با قلب شده پاره
یاد قافله هستم
یاد قامت اکبر ، یاد حنجر اصغر
فکر حرمه هستم
میمیرم از داغ حرمت ، معجر خواهرت
از دست کوفه و صورت ، نازک خواهرت
ثار الله ابی عبد الله



«زمینه ۱»

وای از غریبی و وای از بی خبری
تنها تو کوچه ها وای از دربه دری، ای وای
ابرم که، از غصه ها، توی این کوچه ها می بارم
(تو کوفه، تو بی کسی سر روی دوش غم میذارم) ۲

ای وای

شدم همسفره، غم و درد و بلا
میگم بادل خون، حسین کوفه نیا

حسین کوفه نیا ۴

دستام که بسته شد، گفتم علی مدد
گفتم یافاطمه، سیلی بهم میزد، ای وای
فهمیدم، تو مدینه، علی تو بی کسی چی ها دید
(فهمیدم، بین آتیش، مادرت فاطمه چی کشید) ۲

ای وای

سر نامه برت، میشه از تن جدا
تو رو جون زینب، حسین کوفه نیا

حسین کوفه نیا ۴

جونم بگه برات، نقشه کشیدن و
واسه سرت حسین، نیزه خریدن و ای وای
میبینم، اون روزیکه میره بالای نیزه سرت
(از کوفه، به سمت شام، اسیری میبرن خواهرت) ۲

ای وای

ندارن طاقت، اسیری بچه ها
همه حرفم اینه، حسین کوفه نیا

حسین کوفه نیا ۴



«زمینه ۲»

بازم، موسم ماتم شده
سهام دلا غم شده، ماه محرم شده
بازم، فصل عزاداریه
اشک چشا جاریه، وقت غم و زاریه
براه شهید کربلا، عزیز مصطفی، حسین زهرا
براه رقیه و رباب، برای زینب و، حضرت سقا
امشب بی تابم، امشب محزونم
واسه اربابم روضه میخونم
”آه و واویلا“

امشب، آی دلای مبتلا
ایهالعشاق ألا، نوحوا علی الکربلا
نوحوا، علی الحسین غریب
برای شیب الخضیب، برا زهیر و حبیب
براه یتیمای حسن، گلای زینب و، علی اکبر
براه سرای روی نی، دستای ساقی و، علی اصغر
نوحوا، للنسوان*، نوحوا للاصحاب
نوحوا للمظلوم، نوحوا للارباب
”نوحوا للمظلوم نوحوا للارباب“
”آه و واویلا“

* (للسوان: برای زنها)



«زمینه ۳»

وزیده به صحن دلم رایحه ی کرب و بلا
نسیم ملیح حرم پیچیده توی کوچه ها
باز دوباره بی طاقتم هر دقیقه و ساعت
تشنه ی دم نوحه ها توی شبای هیئتم

یا سیدنا یا حسین

من و جدایی از حسین محاله و مثل عذاب
توروضه نباشم یه شب می کشه منو اضطراب
منی که زغیر خسته ام به این آقا وابسته ام
اربابمه دیوانه ور به این آقا دل بسته ام

یا سیدنا یا حسین

پرمی گیره مرغ دلم با سیاهی های عزات
تا به ضریح شیش گوشت تو شلوغی زائرات
باز دوباره عاشق ترم به کرب و بلا می پرم
هیچ جانداره مزه ی شبای قشنگ حرم

یا سیدنا یا حسین



«زمینه ۳»

کوفه نیا اینجا دارن کینه های بدر و حنین
چشمام خیس و بارونیه برای غریبی ت حسین
مسلمم و تنهاترین سردار توروی زمین
نیستی بیینی که شدم غریب و اسیر و حزین
یا سیدنا یا حسین

با دستای بسته حسین بشنو سخنم کن حذر
زینبت و هرگز نیار تو کوفه میشه خونجگر
یه غصه ای تو سینمه کوفه پُره نامحرمه
اینجا نیا هرچی بگم از نامردی هاشون کمه
یا سیدنا یا حسین

آرزوی مسلم اینه غصه نخوره زینبت
نبینه کوفه میزنن چوب خیزران رو لب
مسلم و جوونیش فدات فدای یه لحظه نگات
نباشه بیینه یه روز سنگ می خوره روی لب
یا سیدنا یا حسین



«زمینه ۸»

میون این هیاهو، هواتو کردم آقا
الهی که بدورت بگردم آقا
نمیشه دل ببندی به ادعای اینها
اینا دلو سپردن فقط به دنیا
توی این نامردا مسلمت تنها شد یا حسین
چاره ی تنها ییم ذکر یا زهرا شد یا حسین
ای امام و دلبرم
ای امید و یاورم
پای تو میدم سرم

قنوتمو گرفتم با این دل شکستم
خدا کنه بگیره دعای خستم
رسیده نامه من بدست مهریونت
داری میای به کوفه با کاروونت
چشم من بارونه جون من پر درده سیدی
آرزوم اینه که زینبت برگرده سیدی
این دلم پر از غمه
ترسم از نا محرمه
ای عزیز فاطمه



«زمینه ۹»

با اشک و خون دل رو خاک کوچه ها
نوشتم یا حسین نیا کوفه نیا
نیا که رسم کوفه نامردیه
نیا که بی وفایی بد دردیه
کار من کوچه گردیه
حسین جان شدم میون کوفه تماشایی
حسین جان الهی که پسر عمونمایی

تو این شهر کشیف . غریب و بی کسم
نیا کوفه که من واست دلوپسم
حالا میفهمم غربت حیدر و
حالا میفهمم نیرنگ کوفه رو
نیاری اهل خیمه رو
حسین جان شدم با سنگ و نیزه پذیرایی
حسین جان الهی که پسر عمونمایی

به همراهت یه وقت نیاری خواهرت
نیا که نقشه ها دارن واسه سرت
میترسم بیای و سرگردون بشی
میترسم بیای و پریشون بشی
میون غم حیرون بشی
حسین جان نداره کوفه شرمی و حیایی
حسین جان الهی که پسر عمونمایی



«واحد سنگین ۱»

حس می کنم نیرنگ این غریبه ها رو
تیزی ی تیغ و نیزه ی این کوفیا رو
نیا که مبتلا می شی به دام کوفه
تو دشمنی برا خودش یه شام کوفه
از در و دیوار داره غم می باره
مصیبت اهل حرم می باره
آتیش کینه رو پر م می باره
دارم تو قلبم واهمه بده سفر رو خاتمه نیا حسین فاطمه
نیا به کوفه یا حسین



دارم تحمل می کنم این تشنگی رو
اما ندارم طاقت شرمندگی رو
نامه نوشتم کوفیا مهمون نوازن
اما تو این روزا فقط نیزه می سازن
چقد برات نقشه کشیدن آقا
نقشه برا پیکر اربا اربا
چشمای شور دارن برای سقا
روی لبام این خواهشه نذار دلامون خون بشه زخم مدینه تازه شه
نیا به کوفه یا حسین

«واحد سنگین ۲»

غریبم و آواره چشم داره می باره

پشت و پناهی ندارم

که سر رو شونش بزارم اسمتو پیشش بیارم

این کوفه ی دنیا پرست دشمن مردای خداس

مزد کسی که با توآ تهمت و حرف ناسزاس

ببین غریبم پرم شکسته

با دست کینه ی کوفه سرم شکسته

غریبم آقا

اسیرم و دلگیرم غم تو کرده پیرم

دلگیرم از این کوچه ها از نامه های بی وفا

از کوفیای بی حیا

حلالشون نمی کنم دیدی چطوری جا زدن

مادر تو یادم اومد تا منو بی هوا زدن

با لب پاره دارم می خونم

نیا برای زینبت دلنگروم

غریبم آقا

نامه نوشتم بیا شرمنده ام من آقا

از تو واز خواهر تو از حنجر اصغر تو از چشمای اکبر تو

به جای گل سنگ می ریزن از دامن پشت بوما

کوفیا کودک می کشن قسم می دم کوفه نیا

ببین که روی دارلاماره

می گم نیا که بچه هات می شن آواره

غریبم آقا





شب دوم

ورود به کربلا



«نوحه ۱»

باغ یاس و افاقی، دور حضرت ساقی

پرچم دست علمدار

آمد قافله ی دل ، پشت پرده محمل

زینب بادل خونبار

آید از آسمان این ندا، حی علی العزا

زینب رسیده به کربلا، حی علی العزا

خوابیده گل لاله ، یک زهرای سه ساله

روی دامن اکبر

پای قبله ی حاجات ، پای عمه ی سادات

برزانوی برادر

ای وای از فردای خواهر ، از غم معجرش

زیر سم اسب لشگری ، پیکر دلبرش



«زمینه ۱»

بشنو از آسمون، داره صدا میاد
انگار مسافر، شهر بلا میاد، از راه
می پرسه، اینجا کجاست، که میاد بوی درد و بلا
(می لرزه، زینب دلش، تا میاد اسم کربلا) ۲

ای وای

میاد از این زمین، نوایی آشنا
حسین فاطمه، رسیده کربلا

امون ای دل ای دل ۴

امروز شمایل، گلها داره نقاب
فردا مخدرات، تنها تو اضطراب، ای وای
این روزا، برا حرم، پناه چشم ساقی بسه
(یه روزی، میرسه که، یه نفر نیست به داد برسه) ۲

ای وای

همه حیرونن و همه چشما دریا
ندارن یآوری، میون این صحرا

امون ای دل ای دل ۴

دلها آرومه، مشکا همه پر آب
فردا وای از عطش، وای از دل رباب، ای وای
با بوسه، گل رباب، دست به دست میشه بین همه
(واویلا، که حنجرش، برا تیر سه شعبه کمه) ۲

ای وای

علی آروم خوابه، روی دست مادر
ولی آخر اینجا، میشه پاره حنجر

امون ای دل ای دل ۴



«زمینه ۲»

قلبم، به غم شده مبتلا
یه کاروان غریب، رسیده کربلا
کم کم، نیزه ها میشه معلوم
بمیرم از غربت و، غصه ی شاه مظلوم
میاد، صدای زمزمه ش، که زیر لب میگه، اعدو بالله
نگاش، به سمت زینبه، توی دلش غم و، روی لبش آه
اوج این داغ و، امشب میبینه
ارباب بی تابه، سینش سنگینه
آه و واویلا

بند دوم

مهمون، اومده توی این دشت
انگاری که این مسیر، نداره راه برگشت
وقت، عزای عالمینه
چند شبه دیگه ذکر، همه حسین حسینه
داره، میاد از این دیار، بوی جداییه، حسین و خواهر
میاد، اون روزیکه میشه، حسین تو کربلا، بدونه یاور
امشب دلهامون بین گوداله
میگم از داغ زینب باناله
آه و واویلا



«زمینه ۳»

باز میده عذاب این دلم یه حسّ غریبی داداش
این زمین و اینجا داره چه بوی عجیبی داداش
اینجا میده بوی نفاق بوی جدایی و فراق
شور میزنه باز این دلم میاد بوی هجران و داغ

یا ایا حسین یا حسین

دار و ندارم رو حسین پای تو میریزم فقط
از جلوی چشمای من دور نشو عزیزم فقط
خواهرم و کم طاقتم کم میشه بی تو قوتم
آرزوی قلبم اینه نشه جدایی قسمتم

یا ایا حسین یا حسین

خدا می دونه لحظه ای پانمی کشم از غمات
باشه میزنیم خیمه و هستی مونو میدیم برات
الهی که زینب فدات نبینه غم و غصه هات
زینب و دعا کن بشه شهیده ی کرب و بلات

یا ایا حسین یا حسین



«زمینه ۷»

صدای پای، ستاره های، فاطمه میرسه
سپاه شاهه، دوباره ماهه، علقمه میرسه
تا خاک غربت او مدن، دیگه ندارن فاصله
شیرخواره ای خوابیده با، صدای زنگ قافله
السلام السلام، کربلا یا کربلا یا کربلا
کاروان حرم عشق، با شه محترم عشق

کنار دریا، بدست سقا، خیمه ها شد علم
علی اکبر، کنار زینب، میره سمت حرم
رقیه رو دوش عمو، خیره به سمت آسمون
ستاره هارو میشمه، هزار هزار تا کهکشون
السلام السلام، کربلا یا کربلا یا کربلا
یک طرف خواهر حسین، یک طرف مادر حسین

چشای گریون، دل زینب خون، خیمه گاه حسین
میون صحراست، خواهرم اینجاست، قتلگاه حسین
میبینم اون روزی رو که، به رو خاکا بی کسم
میگه یتیم مجتبی، عمو به دادت میرسم
السلام السلام، کربلا یا کربلا یا کربلا
ابر بارون میباره اشک، دوش ساقی علم و مشک



«زمینه ۹»

من و این حالت غم و دلواپسی
ندارم طاقت یه لحظه بی کسی
بیارحمی کن بر حال خواهرت
بین صورت معصوم دخترت
قسم بر علی اصغرت
برگردیم بین که بی قرار و دل غمینم
برگردیم. نمیتونم که دوریتو ببینم

بین این خواهش و تمنای چشم
بین از اضطراب میلرزه دست و مام
میاد از این صحرای غم بوی خون
نخون انقدر جلوی من بی امون
انا الیه الراجعون
برگردیم یه رحمی کن به این قلب حزینم
برگردیم. نمیتونم که دوریتو ببینم



«واحد سنگین ۱»

تا که رسید از غربت آلاله ها گفت
اعوذ بالله من الکر ببلأ گفت
حالا تموم آسمون نوا گرفته
بر احسین فاطمه عزا گرفته
خیمه زده آقا با چشم دریا
سپرده خیمه هاشو دست سقا
غوغا شده میون دشت و صحرا
کبوترا دور و برش رو شونه ی
آب آورش گریونه چشم خواهرش
غریب حسین

از وقتی توی کربلا س گریونه زینب
حالا تموم قصه رو می دونه زینب
می دونه می شه این زمین قاتل جونش
ستاره ای نمی مونه تو آسمونش
می دونه اشک مادرش می ریزه
بارون خون روی سرش می ریزه
بال و پر برادرش می ریزه
داره میبینه آخرش سر نداره برادرش
رو نیزه ها رفته سرش
غریب حسین



«واحد سنگین ۲»

برادر غمخوارم هوای گریه دارم
بگو چرا من مضطرب می لرزه باز بال و پرم دستی بکش روی سرم
قلبم داره تیر میکشه از وقتی اینجا اومدیم
غریبم مادرم چرا تو کربلا خیمه زدیم
چرا دلم رو تو می سوزونی
داری با چشمت آیه ی عزا می خونی

سالارزینب

دروغیه حرفاشون کوپریه باغاشون
آخه چقدر مکر و ریا چی شد قرار کوفیا
مهمون کجا و کربلا
یادم نمی ره بابامون برا اینا دعا میکرد
سفارش یتیمارو خیلی به کوفیا می کرد
مزد دعاشو به ماها دادن
تو شهر بابامون علی رامون ندادن

سالارزینب

تو رو تو رویا دیدم غریب و تنها دیدم
سری نبود روی تنت روی زمین بود بدنت اما هنوز می زدنت
گرفته بود آتیش و دود چادر خیمه هامونو
افتاده بودیم از نفس بسته بودن دستامونو
به کاروانت می شد جسارت
با ناله ما می پوشیدیم رخت اسارت

سالارزینب





شب سوم

حضرت رقيه سلام الله عليها



«نوحه ۱»

مهتابه شب تارم ، شمعه روی مزارم
شد یک راس بریده
از هجران گله دارم ، نذر نافله دارم
با این قد خمیده
از عشقت گشته ام در بدر ای مه نیزه ها
با سرت میشوم همسفر ای شه سر جدا
نارالله ابی عبدالله

هر شب یاد تو بودم ، مثل یاس کبودم
زیر سایه کینه
موی روی سرم سوخت ، پلک چشم ترم سوخت
چون بازوی مدینه
میلزد دستان دخترت ، بال و پرم شکست
رویم مثل روی مادرت ، خون به دلم نشست
نارالله ابی عبدالله



«زمینه ۱»

نور ستاره ای، شمع شب منه
اسم تو همه جا، روی لب منه، بابا
چند وقته، بدون تو خواب خوش از چشم پریده
(اشکام و، به جز خدا، بابایی هیچ کسی ندیده) ۲

ای وای

نمیشه هیچ کسی، برام مثل بابا
بیا امشب من رو، ببر از این دنیا

بابا بیا ببین، زخم پر من و
بازم شونه بزن، موی سر من و، بابا
می بینی، تو شعله ها، چه بلایی سرم اومده
(می بینی، خونابه از، تموم پیکرم اومده) ۲

بابا

رد سیلی مونده، روی گونه ام بابا
میگه عمه زینب، شدم مثل زهرا

بابا ما رو زدن، هر جایی بهونه
مونده رو تن من، جای تازیونه، ای وای
هر جایی، بردنمون، زخم دل رو نمک میزدن
(جای ما، بیا ببین، عمه مون و کتک میزدن) ۲

ای وای

دیگه چشمای من، نمیبینه بابا
روی لبهام خنده، نمیشینه بابا



«زمینه ۲»

بابا، کجایی حالم بده
خودت بیا و ببین، چپی به سرم اومده
بابا، زیاده درد و داغم
عمه میگفت این شبا، میخوای بیای سراغم
بیا، ببین که دخترت، تو این خرابه ها، شده زمینگیر
کجا، دیدی بشه بابا، تو سن و سال من، یه دختری پیر
از درد میسوزم با غم میسازم
اما نزدیکه وقت پروازم
آه و واویلا

اینجا، باتو میشه بهشتم
بستگی داره به تو، تمومه سرنوشتتم
گفتم، به همه تو بابامی
بیا نشونت بدم، به دخترای شامی
اگه، قصد داری که بیای، یه روسری برام، بخر باباجون
اگه، میخوای بیای بری، تو رو خدا منم، ببر باباجون
وقتی برگردی، آروم میگیرم
عمه فهمیده، بی تو میمیرم
آه و واویلا



«زمینه ۳»

جز تو دیگه آی قاصدک همدمی پیدا نمیشه
برو و بگو به بابام هیچکسی بابا نمیشه
بگو اگه آواره ام غارت شده گوشواره ام
ولی حجابم کامله باروسری پاره ام
ابتا حسین یا حسین

بگو نخوره غصه مو عمه جون هوا مو داره
خواب نداره شب تا سحر بالای سرم بیداره
سنگ صبور حرفامه گریه کن روضه هامه
لالایی نیمه شباش مرهم غم و زخم‌امه
ابتا حسین یا حسین

عقده ی دل خسته مو بگو قاصدک به بابام
منتظرشم که بیاد شب توی خرابه ی شام
گفته تو خوابم که میاد می مونه پیش من زیاد
می بره منو با خودش پیش مادرش شاد شاد
ابتا حسین یا حسین



«زمینه ۵»

دختر سه سالت

سفیر عاشوراس

یادگاری از یاس

راهیه کوفه و شام

زائر طشت طلاس

شدی همسفرم از روی نیزه بابا

می سوزه پاهام از زخمای خار صحرا

پیش اشک چشام ناچیزه موج دریا

پراز غم، زیر لبم روضه میخونم

باسیلی، بیدار میشم تا جامی مونم

شبهه یه مادری قامت کمونم

واویلا ابتا یا حسین جان

اسیر و آواره

شده دختر تو

چی اومده سرتو

لبت ترک ترک و

خونی شده سرتو

الهی بمیرم واسه ی زخم سرت

آخه حرفی بزن بابا تو با دخترت

سرت هست ولی نیست همراه تو پیکرت

باباجون، میبارم اشک دونه دونه

رولبهات، نشون چوب خیزرونه

دعاکن، که دخترت زنده نمونه

واویلا ابتا یا حسین جان



هر جا زمین خوردم
تو رو صدا کردم
بجای من هر دم
دشمن عمه رومیزد
خیلی ازش شرمندم
بابا از موقعی که نیست عمو کنارم
شبا خواب ندارم تا صبح همش بیدارم
یادته که میگفت من آب برات میارم
عمو رفت، اگر که حالابی پناهم
شکستم، گمونم آخرای راهم
می میرم، برات اگر کنی نگاهم
واویلا ابتا یا حسین جان



«زمینه ۶»

چشم گریون شد نصیبم
تو خرابه من غریبم
توی طشت حالا سر حبیبم
این من و این غم و این بی قراری
این تو و این سر و زخمای کاری
عمه و ناله و اشکای جاری
انگار خبریه، آسمونابی قرارن
انگار خبریه، بابامو دارن میارن

غصه بود و ناامیدی
با سرت بابا رسیدی
ازین دنیا بریدم بریدی
کو تنت پیر هنت جاموند رو خاكا
مثل تو دخترت افتاده از پا
پیش من مادرت مهمونه بابا
انگار خبریه، که ستاره ها بیدارن
انگار خبریه، بابامو دارن میارن

سوخته پا تا به سر من
خاکی شد بال و پر من
پیر شد عمه به پای معجر من
بغض من درد من یکی دو تا نیست
جای ما گوشه و پرونه ها نیست
کاش نپرسی که گوشوارت چرا نیست
انگار خبریه، چشای رقیه تارن
انگار خبریه، بابامو دارن میارن



«زمینه ۸»

کبوتر سه سالت ، پرش شکسته بابا
توی صدام یه بغضی ، نشستہ بابا
حالا که تو نشستی ، توی نگاه تارم
می خام تو رو ببینم ، بزار بیارم
من مگه چی گفتم ، من مگه چی می خام، بابایی
حرمه هی می زد ، هی می لرزید دستام، بابایی
عمه شد برام سپر
خسته ام از این سفر
بابا جون منو ببر
یا حسین حسین حسین

بند دوم حضرت رقیه
چه روزگار سختی بدون تو گذشته
کبوتر سفیدت پرش شکسته
ببین که چی کشیدم تو کوچه های کوفه
ببین که پیرهنم شد پر از شکوفه
انگاری زنهاشون عمه رو میشناختن بابایی
اما باز سنگارو سمت ما مینداختن بابایی
بین شعله ها و دود
صورتتم شده کبود
خوبه که عمو نبود
یا حسین حسین حسین



یه دختر گوشه ی خرابه بانوا
واکرده سفره ی دلش رو ای خدا
میخونه درد و دلاش و باباش
میگه تو گوش بابا از غصه هاش
میگه از زخم دست و پاش
(بابایی . نبودی دخترت رو آزدن
بابایی . نبودی و گلت رو پژمردن)
بابا سوخته موهات ، بین سوخته موهام
لب تو خونیه ، نمیدید کاش چشم
نمیدیدم کاش زخمای رو سرت
نمیدیدم کاشکی که نیست پیکرت
بمیره واست دخترت
بابایی ، خونی شده تموم روی تو
بابایی ، چه دیدنی شده گلوی تو
(بابایی . نبودی دخترت رو آزدن
بابایی . نبودی و گلت رو پژمردن)
نشون دادم که من ، نوه ی حیدرم
پای حفظ حجاب ، شبیه مادرم
اگر چه از داغت زار و مضطرم
اگر چه خاکی شد بابا معجرم
ندید هیچکس موی سرم
بابایی ، با اینکه زندونیه زنجیرم
بابایی ، نشون دادم که بچه ی شیرم
(بابایی . نبودی دخترت رو آزدن
بابایی . نبودی و گلت رو پژمردن)



«واحد سنگین ۱»

درد یتیمی در بی درمونه بابا
این زندگی بی تو برام زندونه بابا
سری بزن به دخترت که نیمه جوئه
خیلی بعیده بعد تو زنده بمونه
النگوی دستای من طنابه
خونه دخترت شده خرابه
رو دامن عمه فقط می خوابه
پرپر شده کبوترت شده شبیه مادرت
تموم کار دخترت

بابا حسین

امشب می خوام بابا بگم از کوه دردم
از ماجرای سیلی و از روی زردم
شکسته قلب کوچیکم مثل سر تو
جسارتا شده بابا به دختر تو
ای کاش می شد از زخم پام نپرسی
از سوزش آبله هام نپرسی
از پارگی ی لباسام نپرسی
تو مجلس نامحرما منو سوزوندی به بی حیا
می گفت کنیز به من بابا

بابا حسین



«واحد سنگین ۲»

تا نبییم بابامو می بینید این اشکامو
منتظرم تا که بیاد دوسش دارم خیلی زیاد
اونم منو خیلی میخواد
از من نپرسید به خدا نمی دونم بابام کجاس
مدینه رفته یا هنوز با داداشم تو کربلا
دلتم گرفته دیر کرده بابا
شبیه مادرش منو پیر کرده بابا

بابای خوبم

شبایی که بی تابم بابام میاد تو خوابم
میگه باید آماده شی شونه به موهات بکشی
همسفر بابا بشی

به خاطر خدا منو به همدیگه نشون ندید
من بابا دارم مته ماه دیگه به من یتیم نگید
با تازیونه زدید به دستام
یادم نمی ره به خدا میگم به بابام

بابای خوبم

چرا معما شدی شبیه پیرا شدی
چرا شکستن سرتو گوشه پلک تر تو
چی کار کنه دختر تو
با اشک چشمم می شورم لبای گلگون تو رو
یه بار منو صدا بزن هرجایی که خواستی برو
از سر نیزه اومدی یارم
خسته ای بابایی بشین یه کم کنارم

بابای خوبم



«واحد وسط ۱»

اینقدر نیومدی که گفتن
بابات دیگه بر نمیگرده
سر بریده ی تو بابا
کار منویکسره کرده
بسکه منوزدن بابایی
تواستخونام پره درده
چه خوب شد که اومدی فدات بشم
دلَم میخوادیه بار کنی نوازشم
خودم غم توروبه شونه مبکشم
بابا، دلَم از دنیا سیره ، دخترت پیره پیره
هر چی زودتر بمیرم بازم دیره
یا ابتا یا حسین



سیلی یه کار کرده باهام که
به چشم من سویی نمونده
از آتیش خیمه باباجون
براسرم مویی نمونده
توی حرارت اون آتیش
برامن ابرویی نمونده
از اون روزیکه مایی عموشدیم
تا کوفه همسفر عدوشدیم
رونیزه باعموروبه روشدیم
بابا، کی توروخونی کرده ، منوبارونی کرده
تورولب تشنه قربونی کرده
یا ابتا یا حسین

تو کوچه های کوفه دشمن
ماهاروبه سلسله بسته
خیلی میفتادیم زمین چون
به پاهامون سلسله بسته
بسکه روخارا منو بردن
کف پاهام آبله بسته
باهات خوش میگذره روز آخری
باین سری که داری از همه سری
نگو باخودت منونمیبری
بابا غرق دربارونم کن
تا ابد مهمونم کن
من مریض شدم بیا درمونم کن
یا ابتا یا حسین



«واحد وسط ۵»

تنها شدنم عالمی داره، روی سر من غصه آواره
اون که دستام و بسته بابایی، دست از سر من برنمیداره
چادرم خاکی، دشتی از لاله، چند روزه ندیدمت انگاری چندساله
خیسه چشمام، ابر بارونه، گوشه خرابه شد روز و شبم ناله
یوسف گمگشته من کجایی، کجایی، کجایی
دلَم چقد تنگ برات، بابایی، بابایی، بابایی

پابه پای من عمه بیداره، بی تو روز من تیره و تاره
اونکه دستام و بی رمق کرده، دست از سر من برنمیداره
نیستی خاموشه، فانوس شبهام،
شب به شب دنبال تو میون این صحرام
اشکام و هرشب، میزارم روی،
تموم زخما بشه مرهم این دردام
عمه رو میبینم میشم هوایی، هوایی، هوایی
دلَم چقد تنگ برات بابایی، بابایی، بابایی

دوری قسمت این دل زاره، غصه های من نداره چاره
اونکه سرت و برده با نیزه، دست از سر من برنمیداره
دخترت بابا، میشه قربونیت
کاش نمیدیدم رو نی چشای بارونیت
بالب خشک، با پر زخمی
میدیدم که سنگ زدن به روی پیشونیت
نمیشنیدم از لب تو صدایی، صدایی، صدایی
دلَم چقد تنگ برات بابایی، بابایی، بابایی





شب چہارم
دو طفلان حضرت زینب و
جناب حُر



«نوحه ۱»

شاگردان علمدار، جای جعفر طیار
با سر بند حسین جان
با هر نعره ی حیدری، میلرزد دل لشگری
از این رزم نمایان
شیران بیشه کربلا، تشنه ی جام تو
با ذکر انا ابن المرتضی، کشته نام توست
ثارالله ابی عبدالله

نذر ساقی لشگر، نذر حنجر اصغر
این دو ماه کفن پوش
کنج خیمه نشینم، تا شرم تو نبینم
حق باگریه خاموش
قربانی داده ام در منا، پای سرت حسین
بمیرم نبینم ماتم، چشم ترت حسین
ثارالله ابی عبدالله



«زمینه ۱»

میگم با دل و جون، جونم فدای تو
هر دو گلای من، نذر گلای تو
تو خیمه با نگاشون، هی التماس به من میکنن
به عشقت، با صد امید، دارن کفن به تن میکنن، آقا
دارن پر میزنن، روی دستای من
بزار تا جون بدن، برات آقای من

ذکر نعم الامیر، تاب و تبشونه
اسم مادرمون، روی لبشونه، آقا
میرن تا، فدایی، حنجر اصغر تو بشن
میرن تا، رو نیزه ها، همنشین سر تو بشن
با دستای خودم، فداشون میکنم
برا بار آخر، نگاشون میکنم



«زمینه ۲»

زینب، اومده پیش حسین
روشنه دیگه دلش، که راضی میشه حسین
میخواد، برن تو میدون گلاش
مثل علی اکبر، بشن فدای داداش
دعا، کرده که بچه هاش
برا برادرش، برن شهید شن
میخواد، عون و محمدش
جونشونو بدن، که رو سفید شن
باید تکلیفش، حالا معلوم شه
میخواد اذن و تا، قلبش آروم شه
زینب یا زینب

حالا، که این دوتا پهلویون
زره به تن کردن و، دارن میرن تو میدون
خوردن، قسم به جان حسین
بشن توی کربلا، فدائیان حسین
اومد، وقت پریدنه، دوتا مهاجرو، دوتا کبوتر
دارن، کنار هم میشن، میون خاک و خون، باناله پرپر
معلوم بود ازاین، دنیا دل کندن
انگار رو دست، ارباب میخندن
آه و واویلا



«زمینه ۳»

دارایی زینب داداش فدای سر بچه هات
اجازه بده تا کنم دو تا پسر رو فدات
عاشق نگاه تواند سرباز سپاه تواند
افتخارشون اینه از شهدای راه تواند
یا ایا حسین یا حسین

آرزومه داداش بشم پیش مادرم رو سفید
محمد و عونم بشن تو رکابت آقا شهید
برا تو پوشیدن کفن پسرای شیرین من
لحظه شماری می کنن برای دایی جون بدن
یا ایا حسین یا حسین

تنگی میکنه سینه شون خیمه شده زندون شون
رها میشن اون موقع که بریزه برات خون شون
هدیه های خواهند فدایی تو دلبرند
خیمه بمونن می میرند دل تنگ علی اکبرند
یا ایا حسین یا حسین



«زمینه ۳» - حضرت حر

قلبم ز غم آکنده ای میوه ی دل فاطمه
شده تا دم مُردنم به لب من این زمزمه
من حرّم و خاک درت شرمنده ام از خواهرت
تن و سر و جانم حسین فدای تو لشکرت
امیری حسین یا حسین امیری و نعم الامیر

امید دلم اینه که بگذره ز من خواهرت
اجازه بده تا بشم خاک پاهای اکبرت
نادمم و شرمنده ام پیش تو سرافکنده ام
منو بپذیر یا حسین تو رکاب تو بنده ام
امیری حسین یا حسین امیری و نعم الامیر



«زمینه ۹»

تو خیمه مادری . کرده عزمش رو جزم
محیا میکنه . گلاشو واسه رزم
میگیره قرآن رو سر بچه هاش
میریزه آب دیده پشت گلاش
میخونه به زیر لباس
حسینم . سرمایه هام فدای اصغر تو
حسینم . تموم زندگیم فدا سر تو

گرفته دستای . گلاشو باغبون
میاد تا از داداش . بگیره اذنشون
میاد و همراهش دو امانتی
دو پل سر به زیر و خجالتی
دو تا گوهر قیمتی
حسینم . این قربونیا سهم خواهر تو
حسینم . تموم زندگیم فدا سر تو

بزار تا بچه هام . فداییه تو شن
ببین که واسه رزم . کفن دارن به تن
ببین که ندارم آرام و قرار
تو رو جون مادر نه تو کار نیار
برای من سهمی بزار
حسینم . بشم فدای قلب مضطر تو
حسینم . تموم زندگیم فدا سر تو



«واحد سنگین ۱»

درد و بلا تو می خرم همه امیدم
رومو بگیر قسم به این موی سپیدم
قلبم داره می سوزه از تنهایی تو
از غربت این چشمای دریایی تو
می دونی جونمو به تو سپردم
به جای مادر غصه هاتو خوردم
کاش قبل کربلا برات می مردم
گلای من فدای تو فدای بچه های تو من بمیرم برای تو

غریب حسین

حالا که اشک از این چشم روونه داداش
نذار که حسرت تو دلم بمونه داداش
من قول دادم به مادرم تنهات نذارم
تو باغ کربلات دو تا غنچه بکارم
داداش چقد خوبه که مادرم من
مادر این دو تا کبوترم من
نگو که از ربابه کمترم من
بذار گلام پرپر بشن قربونی اصغر بشن آبروی خواهر بشن

غریب حسین



«واحد سنگین ۲»

بین کفن پوشیدیم اشاره کن چون می دیم
دار و ندار مادریم نواده های حیدریم فدائییای رهبریم
ما دانش آموز تو و مکتب سرخ زینبیم
رزمنده ی آزاده و دلداره ی این مذهبییم
درس وفاز مادر گرفتیم
کبوتریم آقا بین که پر گرفتیم
غریب مادر

عاشق مادر زادیم وعده به مادر دادیم
بشیم آقا یاور تو رزمنده ی لشکر تو فدایی ی اصغر تو
تو نا امیدمون نکن بزار که رو سپید بشیم
بزار که تو رکاب تو هر دو تاملون شهید بشیم
چی می شه دست ما رو بگیری
گدای تو هستیم و تو نعم الامیری
غریب مادر

سخته برامون آقا غروب این عاشورا
بینیم اینجا سرتو گریه های دختر تو اسیری خواهر تو
بزار بریزه خونمون رو خاک این دار بلا
همسفرت بشیم آقا کنار تو رو نیزه ها
یه حرفی داریم تو سینه هامون
وقتی می ریم مادر نیا از خیمه بیرون
غریب مادر





شب پنجم

حضرت عبدالله عليه السلام



«نوحه ۱»

من از نسل کریمم، گرچه طفل یتیمم
اما مرد نبردم
پرشد جام و سبویم، از غمای عمویم
کوه غصه و دردم
ای عمو گرچه من کودکم، اکبر دیگرم
دستم شد سپر کوچکم، کشته ی آخرم
نارالله ابی عبدالله

پای عشق تو هستم، از خون سر و دستم
خونی شد همه رویت
دورت این همه لشگر، برق نیزه و خنجر
کرده قصد گلویت
بمیرم برایت تشنه ای، ای شه کربلا
اسیر شمشیر و دشنه ای، به زیر دست و پا
نارالله ابی عبدالله



«زمینه ۱»

چشم آسمونا، مونده به راه من
سمت قتلگه عمه نگاه من، وای
می باره، تو قتلگاه، بارون سنگ و نیزه و تیر
عمه جون، با چادرت، جلوی چشم من رو بگیر، ای وای
تو این دشت غربت، چقدر دلواپسم
روی خاک افتاده، ببین همه کسم

ای وای چی اومده، عمه سرعمو
زخمی شده ببین، بال و پر عمو، ای وای
میبینی روی خاکا عمو هی دست و پا میزنه
میبینی، که با نگاش، داره من رو صدا میزنه
خودم اینجا ولی، دلم تو گوداله
ببین از تشنگی، عمو جون بی حاله

ای وای چرا شده، پاره پیرهنت
جای پای کیه، مونده روی تنت، ای وای
دستام و، برای تو، عمو جونم سپر میکنم
رو سینه ات، یه یادی از، روضه میخ در میکنم
تو که عمری بودی، برام جای بابا
کنار تو آخر، میرم از این دنیا



«زمینه ۲»

اومد، صدای شاه غریب
نمونده دیگه براش، حُرّ و زهیر و حبیب
اما، یه طفل بی تابیکه
کنار زینب رو تل، به واقعه نزدیکه
میگه، عمه بزار برم، داخل قتلگاه، پیش عمو جون
مگه، نمیینی عمو، میون دشمننا، شده پریشون
توکه میدونی، خیلی غم دیدم
عمو جون بده، من هم جون میدم
عمو حسینم

میرم، به عشق روی پدر
میشم جلو شمشیرا، برا عمو جون سپر
مثل، عمه منم شاهدم
این همه ظلم و غمو، باید برم جون بدم
عمو، نمیزارم کسی، تو رو شهید کنه، تا زنده هستم
میخوام، ازت دفاع کنم، تا که فدات بشم، با سر و دستم
با هم افتادیم، بین قتلگاه
ذکر لبهامه، مادر و اماه
مادر و اماه



«زمینه ۳»

عمه رها کن دستمو نگو نرو خیمه بمون
آخه عموی بی کسم افتاده تو گودال و خون
میدم قسمت به بابام عمه تو رو به گریه هام
دستم و رها کن برم خسته شدم از این خیام

عمو یا حسین یا حسین

تو خیمه و دلواپسی عمه بمونم تا به کی
اگه نرسم قتلگاه سر عمو میره روی
نه نگو به این خواهشم ریخته بهم آرامشم
آروم می گیرم وقتی که عمو ببینه پیششم

عمو یا حسین یا حسین

عمه داداش تو برام هم بابا بوده هم عمو
مگه میذارم جون بده زیر لگدای عدو
خاطرشو خیلی میخوام آخه میده بوی بابام
آرزومه آخر بشه سینه ی عمو قتلگام

عمو یا حسین یا حسین



«زمینه ۹»

دیگه وقتش شده . رسیده نوبتم
باید ثابت کنم . ندارم چیزی کم
باید که واسه عموم کاری کنم
باید عمو حسین و یاری کنم
باید علمداری کنم
عمه جون . خودم فداییه درد و بلاشم
میمیرم . اگه یه لحظه از عمو جدا شم

جون عمه نکن . تو من رو نا امید
نزار مثل بابام . بشه موهام سپید
ندارم تاب اسارت رفتنت
توون دیدن زاری کردنت
طاقت سیلی خوردنت
عمه جون . نزار که پیش بابا روسیاشم
میمیرم . اگه یه لحظه از عمو جدا شم

به زیر دست و پاست . تموم هست من
بزار عمه برم . رها کن دست من
مگه مرده باشم جدا شه سرش
مگه مرده باشم بچینن پرش
منم سرباز آخرش
میمیرم . اگه نشه برا عمو فداشم
میمیرم . اگه یه لحظه از عمو جدا شم



«واحد سنگین ۱»

عمه دلم تنگه عموم روی زمینه
عمه تموم آرزوم روی زمینه
بزار برم تنگه نفس می گیرم اینجا
میخوام برم تو قتلگاه به جای بابا
خیلی عموزحمتمو کشیده
از کوچیکی ناز منو خریده
حالا دیگه نوبت من رسید
عمه داره صداش میاد کسی جوابشو نداد
بزار برم کمک میخواد

عمو حسین

از بسکه خون رفته ازت نایی نداری
جون تو رو می گیره این زخمای کاری
پاشو بریم عمه برات مرهم بزاره
تیرا رو باید از تن تو در بیاره
پاشو بریم از قتلگاه عزیزم
می مونی زیر دست و پا عزیزم
نیزه تو پهلوته چرا عزیزم
این ضربه ها کشتت عمو خون میره از پشتت عمو
از خاک تو مشتت عمو

عمو حسین



«واحدسنگین ۲»

منم یتیم حسن منم گل یاسمن
با عزتم مثل حسن با غیرتم مثل حسن با هیبتم مثل حسن
از کوچیکی خبردارم از راه و رسم زندگی
کم سنم اما می باره از قامت مردونگی
قفس نمی خوام مثل کبوتر
تموم آرزومه اینه تا بزنم پر

عمومظلوم

چرا ته گودالی چرا عمو بی حالی
چرا رو خاکه پرتو ریختن سر پیکرتو
تو دست گرفتن سرتو
گلوی ناز کم فدات چی داره به سرت میاد
پاشو بریم عمو جونم صدای خواهرت میاد
یه جای سالم تنت نداره
عمه باید برای تو عبا بیاره

عموی مظلوم

خیلی برام سخته که می زنه نیز شو به
تنی که مونده زیر پاش گرفته راه نفساش
دارن می بینن بچه هاش
کاری ازم بر نمیاد جز اینکه باشم سپرت
تیر سه شعبه بزنن منو شبیه سپرت
چی کار کنم من بگم یا زهرا
دلَم میریزه نیزه شون که می ره بالا

عموی مظلوم





شب ششم
حضرت قاسم عليه السلام



«نوحه ۱»

بوی یاسمن من ، فرزند حسن من
مست جام شهادت
آمد نجمه پریشان ، با آیینه و قرآن
برپا کرده قیامت
خورشید تابان خیمه ها ، میروی از حرم
بشنو در بین این گریه ها ، گریه ی مادرم
نارالله ابی عبدالله

قربانی شدن تو ، دست و پا زدن تو
پیش چشم عمویت
بغض روضه زهرا ، خون لخته غمها
بسته راه گلویت
مهمان هر استخون تو ، نیزه ی کینه ای
بر روی هر گلبرگ تنت ، داغ مدینه ای
نارالله ابی عبدالله



«زمینه ۱»

اشک ستاره ها، انگار درآمده
عمر گل حسن، دیگه سراومده، ای وای
چون دادن، برا عمو، آخرین بیت این غزله
سردادن، تو کربلا، حالا احلی من العسله
دلش بی طاقته، میره سمت میدون
نگاه خیمه ها، شده غرق بارون

رفته بی زره، گفته نمی مونم
چون ناقابلیم، نذر عموجونم
توصحرا، میشه مته، گل پرپر برای حسین
قربونی، میشه مته، علی اکبر برای حسین، ای وای
چقدر روسفیده، حالا پیش بابا
میشه داغ پهلوش، مته داغ زهرا

وای از خون روی، زخم سرت عمو
وای از کبودی، چشم تررت عمو
تنت رو، عمو زیر، سم اسبا دارم میبینم
با گریه، کنار تو، عمو چون رو خاکا میشینم
آروم آروم دارم، تنت رو می برم
بلای سختیه، اومد اینجا سرم



«زمینه ۲»

قاسم، گل پسر مجتبی س
اومده تا که بگه، حسن توی کربلا س
میره، جون بده پای عمو
میشه به جای حسن، با دشمنارو برو
داره، میزنه تو دل، لشکر ابن سعد، شبیه عباس
براش، آخر این نبرد، شیرینتر از عسل، دیدنه زهراس
محکم به سمت، میدون عازم شد
ارباب خیره بر، روی قاسم شد
یابن مجتبی

قاسم، میکنه بر تن کفن
با یه غروری میگه، فأنأ ابن الحسن
میگه، زره ندارم ولی
برانبرد اینطوری، راهی میشم یا علی
رسید به کل آرزوش، نشست تو خاک و خون، سر قرارش
نگاش، غرق تبسمه، وقتی که دید حسین، اومد کنارش
قاسم با اینکه، تشنه شد پرپر
میشه سیراب از، دست پیغمبر
آه و واویلا



«زمینه ۳»

فدایی تو قاسم یتیم غریب حسن
راضی شو که من هم برم عمو بنه منت به من
به جای داداشت حسن برا تو پوشیدم کفن
وقتشه به عشقت عمو بیاشه ز هم جسم من

عمو یا حسین یا حسین

برا بار آخر عمو قاسم و بگیر تو بغل
مردن تور کاب شما شیرینه برام چون عسل
عاشقم و دارم هوس بذار بپریم از قفس
بعد از علی اکبر دیگه بالا نمیادش نفس

عمو یا حسین یا حسین

ننگه واسه قاسم عمو ببینه غمای تو رو
زنده باشه و لحظه ای نشنوه صدای تو رو
نوجونم اما غیور سرم پره شور و شعور
وقتی اومدی مقتلم قول بده که باشی صبور

عمو یا حسین یا حسین



«زمینه ۴»

عمو میبینه که توی نگاش ، شکوه روح الامینو
شکسته هیبت رجزاش ، سکوت سرد زمینو
با صلابت پا میزاره
روی مرزای شهامت
میده صحرا بوی بابا
بی قرار شه شهادت
اومد یه حیدر دیگه ، ماشالله قاسم حسن
تموم کربلا میگه ، ماشالله قاسم حسن

خیره شده کویر نگام ، به سمت خیمه بارون
لحظه شماری میکنه دل ، بهش بگی برو میدون
گله دارم بی قرارم
دیگه طاقتم سر اومد
غصه بسه دیگه وقت
انتقام مادر اومد

یه بار دیگه جمل رو ، بشین تو خیمه ها ببین
یه جور میجنگم عمو جون ، بلزه قامت زمین
اومد یه حیدر دیگه ، ماشالله قاسم حسن
تموم کربلا میگه ، ماشالله قاسم حسن



پاشو دلوره حسنم ، عمو رسیده کنارت
پاشو بریم که توی حرم ، نجمه شده نگرانت

پر خونی نیمه جونی

دیگه بند اومد نفسهات

میگه حالت که شکسته

توی سینه استوخونات

جون عمو رو براه شو ، ماشالله قاسم حسن

یه یا علی بگو پاشو ، ماشالله قاسم حسن

اومد یه حیدر دیگه ، ماشالله قاسم حسن

تموم کربلا میگه ، ماشالله قاسم حسن



«زمینه ۹»

چقد گفتم به تو . نرو خیمه بمون
شدی تو لاله گون . شدم من نیمه جون
شدی مثل اکبر پاره پاره تن
شدم با دیدن تو غرق محن
شده تازه داغ حسن
قاسمم . چقد شده قد و بالات کشیده
قاسمم . آه و نالت امونم و بریده

نزن انقدر جلو . چشم من دست و پا
شکستن پهلو تو . با سم مرکبا
گره انداختی به کارم ای عمو
پاشو ببین حال زارم ای عمو
که خون میبارم ای عمو
قاسمم . پاشو ببین که رنگ و روم پریده
قاسمم . آه و نالت امونم و بریده

تموم زخمای . تن تو کاریه
بمیرم از تنت . یم خون جاریه
چه بلایی آوردن عمو سرت
شده اربا اربا کل پیکرت
فدای جسم پرپرت
قاسمم . تموم پیکرت زهم پاشیده
قاسمم . آه و نالت امونم و بریده



«واحد سنگین ۱»

سیزده ساله رو گونه هام اشک مدینه س
مثل دل بابا غمم از زخم سینه س
اینا یی که به روی ما راها رو بستن
روبروی خیبر شکن پهلو شکستن
بازم شروع شد ماجرای کوچه
کوچه وا کردن قاتلای کوچه
له می شه جسمم زیر پای کوچه
من بی قرار و مضطرب هنوز نمی شه باورم سیلی زدن به مادرم

وا غربتاه

بسکه منو دشمن روی خاکا کشیده
طعم تنم رو پهنه صحرا چشیده
ای کاش نیاد اینجا عمو جون مادر من
بانیزه حکاکی شده این پیکر من
قاتل رسیده روبروم عمو جون
خنجر گذاشتن رو گلوم عمو جون
خون می ره از تارای موم عمو جون
ببین چقد زیبا شدم کبوتر بابا شدم من خوش قد و بالا شدم

وا غربتاه



«واحد سنگین ۲»

منکه برات می میرم به اون نگات اسیرم
بگی می افتم روی پات حتی رو پای بچه هات
تا که باشم توی سپات
بگو باید چی کار کنم که عشقمو نشون بدم
منم شبیه اکبرت غیرتمو نشون بدم
حالا که درد مدینه دارم
اگه بگی میدون برم غمی ندارم

عمو حسینم

ببین قد و بالامو یه بار دیگه بابامو
می خواد بره میدون حسن رها شد از زندون
حسن شده بازم دلخون حسن
دلیم می خواد عمو حسین که رزم من مثل باشه
وقتی می افتم روی خاک روی لبام عسل باشه
عمو نگاه کن به انتقامم
تو ذهن لشکر کوفه می مونه نامم

عمو حسینم

نجمه به سر می زنه تو خیمه جون میکنه
افتاده رو خاک حسنش پاره شده پیراهنش
با خاک یکی شده تنش
وقتی رسید که قاسمش دیگه به آرزوش رسید
از نفس افتاده بود و پاهاشو رو خاک می کشید
بغل گرفته حسین حسن رو
رزمنده ی دلاور صد پاره تن رو

عمو حسینم





شب هفتم

حضرت علی اصغر علیه السلام



«نوحه ۱»

لالایی گل مادر ، لالایی علی اصغر
خیمه قحطی آبه
وقتی تشنه و زاری ، شوق خنده نداری
روز مرگ ربابه
خیمه به خیمه آواره ، در به ردم علی
با گریت کردی بیچارم ، ای پسرم علی
نارالله ابی عبدالله

وای از تیر گلویت ، خونی شد سر و رویت
رفتی بالب تشنه
وای از حلق پرستو ، کرد این تیر سه پهلو
کار خنجر و دشنه
میبرمت پشت خیمه ها ، غنچه ی پرپر
تا نمایی زیر دست و پا ، وای از دل حرم
نارالله ابی عبدالله



«زمینه ۱»

خیمه تو عطش و، مشکا نداره آب
لالا پسر کم، آروم علی بخواب، لالای
لبهای، کویر تو، من و میده خجالت علی
میدونی، که مادرت، نداره دیگه طاقت علی
چشات نیمه بازه، صدات جون نداره
دعام اینه مادر، که بارون بیاره
علی، لای لای، علی

چشمام نگرونه، داری میری علی
انگار دیگه از این، دنیا سیری علی، ای وای
باگریه، قنداقه ات و، به بابا میدم ای عزیزم
پشت سر، یه کاسه آب، ندارم تا برات بریزم، ای وای
میخوای لب واکنی، نمیتونی مادر
برو که لب تشنه، نیممونی مادر
علی، لای لای، علی

اومد تیر سه گر، از روبروی تو
پاره شده گلم، انگار گلوی تو، ای وای
از میدون، تا خیمه ها، میره و برمیگرده بابات
میبینم، که مضطرب، بدجوری غرق درده بابات، ای وای
بابا پشت خیمه، با قنداقه ات میره
اگه آبی باشه، حالا دیگه دیره
علی، لای لای، علی



«زمینه ۲»

لالا، گلم عزیزم بخواب
یه خورده آروم بگیر، نده خودت رو عذاب
لالا، بخواب علی اصغرم
منم شبیه خودت، تشنه شدم مضطرب
بخواب، تو گهواره بزار، دعا کنیم شاید، بارون بیاره
الان، آرزوم اینه که، خنده روی لبات، بیاد دوباره
یاس شیش ماهه، از آب محرومی
مثل باباتی، خیلی مظلومی
لالا لالایی

بابا، اومده دنبال تو
تا که به این دشمننا، نشون بده حالتو
شاید، کمتر عذابت بدن
یه کم بمن رحم کنن، یه خورده آبت بدن
برو، میوه ی قلب من، ایشالا خوب بشه، زخم رو لبهات
خدا، کنه که حرمله، تورو نبیینه رو، دستای بابات
بین این لشکر، رسمه نامردی
حالا که میری، ای کاش برگردی
لالا لالایی



«زمینه ۳»

سرباز کوچیکم علی بیا توی آغوش من
موقع عروجت شده شیرخواره ی بی هوش من
تورو با خودم میبرم قرار رباب و حرم
بروز قنوتم علی پیش محسن و مادرم
علی علی لای لای علی

حالا تو سپاه منی گهواره کوچیکه برات
بیا و به پا کن غدیر بلرزه دل دشمنات
با بی زبونی دلبرم بگو نوه ی حیدرم
علی داره باز این خیام من هم علی اصغر
علی علی لای لای علی

دنیا دیگه جای تو نیست برو علی آخرم
پر بگیر از این قنداقه منتظرته مادرم
سلام منو برسون به مادر قامت کمون
ملائکه دل تنگتن برو پیش شون آسمون
علی علی لای لای علی



«زمینه ۵»

از رو لب خشکت
یه بوسه می چینم
به چشمام می بینم
دست و پا زدی و من
روی پاهام می شینم
تیر حرمله خورد ، جا خوردی و پریدی
توی چشمای من گل کرده ناامیدی
حالا خیلی آروم رو دست من خوابیدی
خوابیدی تو هم داری به من می خندی
خوابیدی چشاتو رو به من می بندی
خوابیدی دلم رو از تو سینه کندی
لالایی بخواب آروم علی جان

از غربت چشمات
چشام شد پر بارون
دستام شد پر از خون
تیر حرمله از پوست
سرت رو کرد آویزون
دلو می سوزونه معصومی نگاهت
باورم نمیشد ، دستام شه قتلگاهت
عذابم می کنه ، چشمای بی گناهت
گناهت کسی نمیگه که چی بوده
سه شعبه تو رو ز دست من ربوده
می بینم لبای خشک تو کبوده
لالایی بخواب آروم علی جان



«زمینه ۹»

نداره هیچ اثر . دعای من چرا
داره بچم تو تب . میسوزه ای خدا
نمونده واسه ی شیش ماهم توون
میگردونه دور لبه‌هاش هی زبون
شده بی حال و نیمه جون
لالایی . میبینی مادرت شیری نداره
لالایی . بخواب عزیز کم بارون میباره

زده خشکی لبات . زده خشکی لبام
میلرزه دست و پات . میلرزه دست و پام
بمیرم واست پریده رنگ روت
میدونم که خشکه عزیزم گلوت
الهی برگرده عموت
لالایی . برای مادرت نمونده چاره
لالایی . بخواب عزیز کم بارون میباره

دلم شور میزنه . شدم غرق محن
نیاد اون روزیکه . نباشی پیش من
الهی که نبینم رونی سرت
نبینم که گلم کردن پرپرت
بمیره واست مادرت
لالایی . دلم برای تو چه بی قراره
لالایی . بخواب عزیز کم بارون میباره



«واحد سنگین ۱»

آروم بگیر قلب من از جا کنده می شه
آروم عزیزم مادرت شرمنده می شه
لالایی گهواره هم سودی نداره
اشکی ندارم رو لبات مرهم بزارم
انگار نمی گیره دیگه دعاهام
داره خراب می شه تموم دنیام
داری تلف می شی تو پیش چشمم
وقتی که می لرزه صدات می گیره قلب خواهرات
من آرزو داشتم برات

لای لای علی

رفتی و توی سینه ام یه قلب خونه
موندم منو لالایی مادرونه
دلتنگ اون چشمتا شدم چشمای بستت
مادر هنوز تو گوشه صدای خستت
حالا دوباره جون گرفته شیرم
طفل خیالی تو بغل می گیرم
دیگه دعا کن زود زود بمیرم
می ره دلم پشت خیام خون میریزه از این چشم
حالا تو گریه کن برام

لای لای علی



«واحد سنگین ۲»

تنت روی دستامه این آخرین حرفامه
با این سپاه بی حیا که شرم نداره از خدا بستن فرات و روی ما
خدا می دونه سر جنگ نداره این طفلک من
کمو نتو نو بگیری د بی وفاها به سوی من
ششماهه ی من گناه نداره
یه قطره آب بهش بدید دووم میاره
لای لای علی جان

وقتی شنید حرمله کمون کشید حرمله
به سوی بابا و پسر به سوی حلق بی سپر
ای وای حسین شد خونجگر
کمون کشید و با یه تیر حلق علی رو پاره کرد
کمون کشید و تا ابد ربابه رو آواره کرد
یه گل پسر داشت حسین رو دستاش
خیر نبینه امیدشو گرفت ز باباش
لای لای علی جان

پشت خیامه آقا نشسته روی خاکا
تو آغوشش یک بدنه به سینه سر می زنه یه قبر کوچیک می کنه
آروم آروم خاک می ریزه چیزی نمونده جون بده
روش نمیشه که خودشو به بچه ها نشون بده
لالالایی می خونه مادر
نمی دونه که طفلکش جون داده بی سر
لالایی علی جان



«واحد وسط ۳»

علی اصغر
تشنگی تو رو از پا درآورده
از عطش لبای تو ترک خورده
گریه هات قرار و از دلم برده
بیچارم کردی با این نفس زدن
چون مادر چشمتو واکن
جلو چشمام
پرپر نزن
واسه آب کمتر تقلا کن

علی ، علی لای علی

علی اصغر
بی تو من موندم و این چشای تر
داغ تو سنگینه غنچه ی پرپر
روی نیزه دلمو بردی مادر
داغتو قلبم رو میسوزونه
تاسحر با یادت می بارم
تا ابد من
شرمنده از
روی مادر علمدارم





«نوحه ۱»

مهتاب شب لیلا ، امید دل بابا
ای قرص قمر من
ای آهوی خرامان ، گشتی عازم میدان
پیش چشم تر من
اذان گوی سپاهم علی ، می روی از برم
آهسته تر ای ماهم علی ، حیدر لشگرم
نارالله ابی عبدالله

پیرم کرده تن تو ، گلبرگ بدن تو
ای آلاله ی صحرا
بازوی تو بریده ، پهلوی تو دریده
مثل پهلوی زهرا
رحل قرآن وا شد از سرت ، قامت من خمیده
قطعه قطعه شده پیکرت ، رنگ رخم پرید
نارالله ابی عبدالله



«زمینه ۱»

روح از بدن من، انگار داره میره
بغض صدات علی، جونم رو میگیره، بابا
آرومتر، قدم بزن، پیش بابات، علی پسر
میخوام تا، نگات کنم، نمیزاره چشای ترم، ای وای
برو سمت میدون، خدا به همراهت
ولی کشته من رو، عزیزم نگاهت

پای ضریح تو، من سینه میزنم
هلهله میکنن، پاشو بریم حرم، بابا
میخندن، همه به من، پاشو شهزاده جوونم
سرنیزه، توپهلوته، روضه مادر میخونم، ای وای
سرت شکسته و، تنت پر خون شده
بابا پاشو ببین، چشم بارون شده



«زمینه ۲»

امشب، شب علی اکبره
شب جوون لیلاس، که تو جوونا سره
انگار، محشر کبری شده
کربلا از وقتیکه، علی هویدا شده
علی، از همه‌ی جهات، مثل پیمبره، چه بی نظیره
همه، میدونن این پسر، نایب حیدره، که خیلی شیره
واسه جنگیدن، میشه آماده
دشمن ترسیده، از این شهزاده
شبه پیغمبر، علی اکبر

ارباب، با یه دل پر از درد
با آه و گریه خودش، اکبرشو راهی کرد
رو کرد، به طرف آسمون
خدارو شاهد گرفت، دوباره شد روضه خون
خدا، خودت که شاهدی، تمومه دلخوشیم، همین علی بود
ببین، سپاه ابن سعد، عصای دستمو، گرفت ازم زود
قدم، خم شدتا، اکبر رعنا شه
سخته تو غربت، اربا اربا شه
آه و واویلا



«زمینه ۳»

جوون رشیدم علی عمه و خیام و بین
بدرقه ی تو او مدن با چشمای خیس و حزین
خالیه جای مادرت که بگرده دور سرت
دل بابا رو می بری با چشمای چون گوهرت
ولدی علی یا علی

با جمال پیغمبریت راه برو برا دلبرت
سخته علی دل کندن از قد و بالای محشرت
میری و نداری خبر از دل منه خونجگر
قربون قدمهات علی برو ولی آهسته تر
ولدی علی یا علی

علی صدامو می شنوی پاشو پدر پیرتم
جواب بابا رو بده زارم و زمین گیرتم
شکسته سر و روی تو پیچیده تو دشت بوی تو
یاد مادرم می ندازه منو زخم پهلوی تو
ولدی علی یا علی



«زمینه ۵»

هر لحظه تو خیمه
دلَم در تاب و تب
میخونم زیر لب
برو ولی آروم از
کنار عمه زینب
میپیچه تو گوشم انگار اذونت اکبر
پر حزنه صدات این لحظه های آخر
طنین نفسات چشمامو میکنه تر
میبینی جلوی خیمه هاسکینه
با گریه رفتنتو داره میبینه
باحسرت آه میکشه دلش حزینه
بنی علی اکبر بنی

غرق خاک و خونه
پیکر تو بابا
پخشه توی صحرا
میرسه از تن تو
شمیم عطر زهرا
دارم از رو خاکا جسمت رو بر میدارم
اینجوری همیشه باید عبا بیارم
تو که رفتی علی بی تو تمومه کارم
پره زخم شده تن تو اربار با
دریدن تن تو رو گرگای صحرا
شنیدن صدای گریه هامو اعدا
بنی علی اکبر بنی



کنار جسم تو
عمر من سر اومد
عمه مضطر اومد
تیره تاره چشمام
انگاری محشر اومد
عصای پیری بابا چه زود شکستی
باورم همیشه دیگه چشات بستی
حالا توی بهشت مهمون مادر هستی
میگیرم وقتی سرتو رو به دامن
به گریه م بلند بلند میخنده دشمن
بلنده صدای آه و هق هق من
بنی علی اکبر بنی



«زمینه ۹»

زده انگار خوشی . به قلبم دست رد
نظر کردن تورو . آخر با چشم بد
نمیخوام دنیا رو بی تو بخدا
علی علی الدنیا بعدک العفا
سرت چی آوردن بابا
علی جان . تن تو پاره پاره روی خاکه
علی جان . ببین که از غمت دلم هلاکه

شبيه جسم تو . دلم شد غرق خون
میخنده لشگری . به حال هردو مون
نزن انقدر دست و پا تو خاک و خون
بابای پیرتو کشتی ای جوون
نداره دست و پام توون
علی جان . تموم پیکر تو چاک چاکه
علی جان . ببین که از غمت دلم هلاکه

من و این پیکر . پریشونت بابا
باید که جمع کنم . تنتو رو عبا
شده حالا وقت احتضار من
رسیده به آخر دیگه کار من
خزونی شد بهار من
علی جان . چقدره ماتم تو دردناکه
علی جان . ببین که از غمتت دلم هلاکه



«واحد سنگین ۱»

چشمای اهل خیمه ها می باره بارون
انگار حسینه که داره می ره به میدون
پیغمبر کربلا قرآن می خونه
وا غربتای خیمه ها به آسمونه
داره می ره دار و نداره بابا
نگاه ازش بر نمی داره بابا
همه می گن تموم کار بابا
وداع پیغمبر شده چشمای زهرا تر شده
قلب حسین مضطر شده

علی علی جانم علی

حالا عصای پیری ی بابا شکسته
حسین کنار پیکر اکبر نشسته
یکی باید بیاد کمک کنه به بابا
انگار که پیکر حسین شد اربا اربا
جوونای حرم عبا بیارید
آروم علی رو تو عبا بزارید
از حال باباش که خبر ندارید
زینب رسیده از حرم داد می زنه برادرم
خاک دو عالم بر سرم
علی علی جانم علی



«واحد سنگین ۱»

جوون شیدای من عصای دستای من
از پیش چشمای ترم آهسته تر پیغمبرم
میدون بروای پسر
آینه ی پیمبری خَلَقًا خَلَقًا مَنْطِقًا
این لحظه های آخری یه کم پیشم قدم بزن
رد شو عزیزم از زیر اشکام
جوون سر به زیرمو خوش قد و بالام
یا علی اکبر

پاشو ببین دنیا رو بی کس ترین بابا رو
جوون من رفتی چرا تنهام گذاشتی
با وفا میون این ماتم سرا
قامت من خم تر شده از وقتی افتادی زمین
عمود آهن به سرت زدن امیرالمونین
زانو به زانو بهت رسیدم
دونه به دونه تیرا رو از تنت کشیدم
یا علی اکبر

یک طرف افتاد پرت یک طرف افتاد سرت
غار شده پیراهنت شکسته نیزه تو تنت
کوچیک شده این بدنت
جمع نمی شه بین عبا این تن پاشیده ز هم
باید برات بنا کنم هر گوشه ی صحرا حرم
سرت رو حالا بغل می گیرم
از خنده این کافرا دارم می میرم



« واحد وسط ۴ »

دلم شبیه، تنت اربا اربا شده
کنار تو کارم تماشا شده
واسم شرح قتلت معما شده
تنت پخش تو دشت و صحرا شده

علی جان،

مثل مادرم، خمیده شدم

ببین موسفیدم کردی

ببین زنده ام، همینو بدون

با داغت شهیدم کردی

ببین تاره دنیای من

علی ای مسیحای من

علی اکبر حسین

ببین که کارم بکاء شدیدا شده

اذانت برام دیگه رویا شده

تنت صید موج بلاها شده

چرا پهلوهات مثل زهرا شده

علی جان

اگرچه یه بار، یه نامحرمی

قد خواهرم رو ندید

ولی داغ تو، کاری کرده که

پاشو توی میدون کشید

قرار دلم علی

همه حاصلم علی

علی اکبر حسین





شب فہم

حضرت عباس علیہ السلام



«نوحه ۱»

سرزده ماه شيعه ، از آن حسن طليعه
بالا آمده دريا
بنگر مشك و علم را ، آن ابروی دودم را
صحرا محو تماشا
چون موسی میزد بر قلب آب ، تشنه تر از همه
در گوشش گریه های رباب ، ناله های فاطمه

برگردانده چرا رو ، دریا ملتمس او
جاری چشمه ی اشکش
تشنه آمده بیرون ، با چشمان پر از خون
جانش بسته به مشکش
تیر آمد نقشه باغبان ، گشته نقش بر آب
با صورت افتاده بر تراب ، حضرت آسمان

خیمه قحطی آب و ، تشنه طفل رباب و
مشکت آب حیات است
ای پشت و پناهم ، ای سردار سپاهم
نامت باب نجات است
خورشید امید یک حرم ، برق نگاه تو
چشمان بی تاب دخترم ، مانده به تو راه تو

اوج آرزوی تو ، آب و ابروی تو
ریزد در دل صحرا
دست از پیکرت افتاد ، دست دیگر افتاد
چشمانم شده دریا
چندی نمانده از پیکرت سرور رشید من
از هم پاشید اینجا سرت صبح امید من



«زمینه ۱»

خاک جدائیه، زیر قدم تو
داری میری داداش، بردار علم تو
بی تابی، میخوای بری، دیگه طاقت نداری داداش
تشنه ای، جلو چشم، ولی داری میباری داداش
یه مشک روی دوشت، داره میشه یارت
سپهدارم برو، خدا نگهدارت

کار خودش و کرد، ادرک اخای تو
پیچید میون دشت، بغض صدای تو
رسیدم، بالاسرت، دیدمت دست و پا میزنی
اولین، باره که تو، منو داداش صدا میزنی
چی اومد به سرت، نمیدونم خدا
شده مشکت پاره، شده دستت جدا

تیر اومد و داداش، بدجور چشات و بست
افتادی چه جووری، رو خاک بدون دست
کنار، پیکر تو، ببین دارم عذاب میکشم
هی میگی، منو نبر، خجالت از رباب میکشم
شدی قطعه قطعه، کنار علقمه
باچشمای گریون، اومده فاطمه



«زمینه ۲»

سقا، داره میره علقمه
از عطش کودکان، دلش پر از ماتمه
انگار، قحطیه آب اومده
گریه ی طفل رباب، دلش رو آتیش زده
ازین، صدای ناله و، زاریه بچه‌ها، شده پریشون
دیگه، یا مشک آب میاد، میون خیمه یا، میگیره بارون
ارباب میدونه، میشه بی یاور
وقتی که رفت از، لشکر آب آور
ای وای ابالفضل

سقا، افتاده روی زمین
روبرو شد بی هوا، با عمود آهنین
غصه، تو دلش آکنده شد
وقتیکه مشکو زدن، بدجوری شرمنده شد
فرات، گرفته بوی یاس، فاطمه اومده، این دم آخر
میگه، میون خاک و خون، افتادم از نفس، بیا برادر
وقتی سقا گفت، داداش دریابم
خم شد از داغش، قد اربابم
آه و واویلا



«زمینه ۳»

پاشو پناه خیمه ها ساقی و سپاه حرم
پاشو زجا با هم بریم منتظرته خواهرم
دست مادرم رو بگیر پاشو کمرم رو بگیر
دیر میشه بریم خیمه و دور خواهرم رو بگیر

اخابوفاضل مدد

چطوری دلشون اومد اینجوری هضمیت کنن
هر وجب این دشت تو رو یا اخابوفاضل کنن
فدای سرت مشک و آب پاشو که دارم اضطراب
جواب حرم با حسین خجالت نکش از رباب

اخابوفاضل مدد

اگه تو نباشی داداش خیمه ها به غارت میره
حرم و آتیش میزنن زینب به اسارت میره
پاشو داداش و یاری کن برا خواهرت کاری کن
علم و بگیر دستت و دوباره علمداری کن

اخابوفاضل مدد



«زمینه ۵»

بارفتنت همیشه
چشمای من گریون
چشم خیمه بارون
ذکر رو لبهام اینه
که پشت من رو نشکون!
تو میری و نگاه من هر دم به راهه
بپوشون روت چون تمثال قرص ماهه
نگرو نم آخه قلب دشمن سیاهه
صدام کن ، تا رسیدی به شط برادر
یه لشگر دارم اونم تویی دلاور
صدام کن به نوای الله اکبر
ابالفضل ای پناه خیمه ها

بعد اذن مولا
میره سمت لشکر
با ذکر یا حیدر
شیوه ی رزم عباس
دوباره کرده محشر
غیرتش یه سپاهو از پا در میاره
آقایی که میره از جون ما یه میداره
تا برای حرم چند جرعه آب بیاره
یه نامرد رسید و تیر آخر و زد
رسید و با یه عمود زخم سرو زد
بمیرم دست پناه خیمه رو زد
ابالفضل ای پناه خیمه ها



یا اخاکه سر داد
رو خاک و خون غلتید
قلب خیمه لرزید
گریه سهم زینب شد
لبای دشمن خندید
منو خیمه نبر شرم از سکینه دارم
آخه قول دادم آب واسه اصغر بیارم
که خدا می دونه از غصه بی قرارم
برادرم آخر کنار من باش
یه مرهم واسه این حال زار من باش
نگاه آخر چشم تار من باش
ابالفضل ای پناه خیمه ها



«زمینه ۹»

پاشو سر لشگرم . پاشو ای باوفا
جلو چشمام نزن . تو انقدر دست و پا
نبینه خیر اونکه دستاتو برید
نبینه خیر اونکه قدم رو خمید
پاشو علمدار رشید
ابالفضل . یه رحمی کن به قلب مضطر من
ابالفضل . پاشو بریم امیر لشگر من

پاشو از جا پاشو . پاشو دریای من
میمیره اصغرم . پاشو سقای من
پاشو که چش به راحت مونده رباب
پاشو که مونده خیمه بدون آب
پاشو نده من رو عذاب
ابالفضل . پاشو ببین چی آوردی سر من
ابالفضل . پاشو بریم امیر لشگر من

پاشو که من بی تو . ندارم تکیه گاه
پاشو تنها تویی . برا خیمه پناه
پاشو که حرف تاراج و غارت
پاشو صحبت از حبس و اسارت
پاشو حرف جسارت
ابالفضل . تو رو جون سه ساله دختر من
ابالفضل . پاشو بریم امیر لشگر من



«واحد سنگین ۱»

با گریه دادن بچه ها مشک و به دستم
یک لحظه از جا کنده شد قلب شکستم
زل می زنه طفل سه ساله توی چشمام
می گه عمو آب و بده اول به بابام
من که امید آخر حسینم
یا رب مدد آب آور حسینم
شرمنده از چشم تر حسینم
باید برم کاری کنم بازم علمداری کنم تا آبروداری کنم

واویلتاه

پاشو علمدار حرم حالم خرابه
پاشو ببین که خیمه ها بی تاب آبه
پاشو علم رواز زمین بردار علمدار
پاشو که دستای حسین افتاده از کار
ای هستی و بود و نبودم عباس
روشنی ی چشم کبودم عباس
پاشیده بی تو تار و پود عباس
ببین شکسته کمرم پاشو امیر لشکرم دارن می رن سمت حرم

واویلتاه



«واحدسنگین ۲»

ببین دلم محزونه چشم پر از بارونه
می زنه موج اینجا سراب تو خیمه ها شد قحط آب
شرمنده ام من از رباب
دلم میریزه وقتی که می افته این چشمام به تو
وقتی می بینم تشنه لب کودک بی زبونتو
جلوی چشمام رود فراته
خجالتم از خواهر و از بچه هاته

برادرمن

تو تکیه گاه منی پشت و پناه منی
چرا رو خاکه علمت چی کار کنم من با غمت
با این دو دست قلمت
خوردی زمین با هلهله دشمنامون دف می زنی
این نامسلمونا دارن دور حسین کف میزنن
علم به دوشم دوباره پاشو
مسخره دارن می کنن اینا داداشو

برادرمن

نکش رو خاک پاهاتو نبند دیگه پلکاتو
ببین امید لشکر دارن می رن سمت حرم
من نگرورن خواهرم
پاشو کمک کن که دیگه برادرت یار نداره
دور حرم شلوغ شده خیمه علمدار نداره
از چشم زینب ماتم می ریزه
از جا بلند نشو تنت به هم می ریزه

برادرمن



«واحد وسط ۲»

ابالفضل

پناهم پاشو تکیه گاهم پاشو
فرمانده ی ارشد لشکر و کل سپاهم پاشو
کاشف کرب چهره و قلب غرق آهم پاشو
پیش جسمت با گریه گفتم جون برادر پاشو
اذا درک ابا گفتمی ، بین من اومدم اما
کنار جسم گلگونت ، شده خم قامت سقا
پاشو بر گرد بریم خیمه ، منو نگذار تک و تنها
میری اما بدون که میره زینب اسیری
امان از رفتن تو امان از سربه زیری
امیری یا ابالفضل

ابالفضل

امیر و سرور ای امید آخر
صبح نگاه تو شبیه صبح طلوع محشر
طرز نبرد تو شبیه طرز نبرد حیدر
قوت بازوی علی آرامش قلب لشکر
صدای قلب بیتابم ، نوای یا بلفضله
بدونید ای همه دنیا، فقط سقا ابالفضله
شنیدم عاشقی میگفت ، خداهم یا ابالفضله
ابالفضل ای امیرم ، بصیرت بنده ی تو
رقیه جون میگیره ، بوقت خنده ی تو
امیری یا ابالفضل



ابالفضل

شکوه دریا ، شاه عالم آرا
تابه ابد پرچم عشق تو روی قله ی دلها
یه شعبه از صحن و سراته توی دل من آقا
برگ برات کربلای نوکرت کن امضا
دل مجنون چش گریون ، دوباره حاجتی ساده
حرم مهمون تو میشه ، کسی که دل به تو داده
دوباره اربعین آقا ، دوباره موکب و جاده
میام پای پیاده ، به عشق کربلاتون
نذار از سر بیفته ، نوای نینواتون
امیری یا ابالفضل





شب دهم

شب عاشورا

روز عاشورا

«نوحه ۱»

ای آرامش زینب ، اوج خواهش زینب
بس کن صحبت هجران
با غم گشته خزانی ، از این مرثیه خوانی
گشتم بی سرو سامان
من کشته ی غمهای توام ، قاری هل اتی
دلواپس ردای توام ای ، ای شه سر جدا
نارالله ابی عبدالله

بفردا از دل صحرا ، آید ناله ی زهرا
بیچاره دل زینب
من آواره ترینم ، یار نیزه نشینم
داغت قاتل زینب
مهمان حجرت نیزه ها ، قتیل کربلا
می شود سرت از تن جدا ، ذبیح بالقفا
نارالله ابی عبدالله



«نوحه ۱»

پای هر قدم تو ، زیر بار غم تو
خم شد قامت زینب
گرچه کوه وقارم ، بی تو چاره ندارم
کم شد طاقت زینب
می دوم گریان پشت سرت ، سایه ی سرم
بوسه می زنم بر حنجرت ، جای مادرت
نارالله ابی عبدالله

روی پیکر لاله ، از پا تا سر ناله
جای ضربه شمشیر
بر هر زخم تن او ، مهمان بدن او
نیزه در بغل تیر
پهلوی به پهلوی می کند ، چکمه ی بی حیا
دارد پشت و رویش می کند ، ضربه ی نیزه ها



«زمینه ۱»

امشب ستاره ها، محو نگاهتن
فردا همناله ی، با اشک و آهتن، ای وای
دعای، زینب اینه، الهی صبح نشه شب من
می دونم، اگه بری، میرسه جون روی لب من، ای وای
میگن فرشته ها، مکن ای صبح طلوع
میگه ارض و سما، مکن ای صبح طلوع

امشب تو خیمه ها، عباس و اکبرن
فردا سراشون و، رو نیزه میبرن، ای وای
امشب تو، حرم دارن، همه امن یجیب میخونن
فردا عصر، تو قتلگاه، سر آقامون و میبرن، ای وای
میشه رأس حسین، مه رو نیزه ها
میشه زینب اسیر، میره از کربلا



«زمینه ۲»

امشب، سهم دلا غم همیشه
سایه ی شاه از سر، اهل حرم کم همیشه
وای از، دل غریب زینب
که این همه دردو داغ، میشه نصیب زینب
غماش، یکی دوتا که نیست، حالا براش فقط، جدایی سخته
براش، دوریه از حسین، میون کربلا، خدایی سخته
وای از بی آبی، وای از عاشورا
آه از این غربت، آه و واویلا
آه واویلا



ای وای، وداع آخر رسید
گریه کنید نوکرا، برای شاه شهید
ای وای، شبای ناله رسید
لحظه های غربت و، غم سه ساله رسید
دیگه، شمره و خنجرش، که بایه قلب سنگ، میره تو گودال
دیگه، نعلای اسبه و، پیکر پاک شاه، که میشه پامال
زینب روی تل، داره میبینه
کشتن ارباب و، آخر باکینه
آه واویلا

«زمینه ۳»

نگرون و آشفته ام تو این سحر آخری
قول بده که فردا حسین کم طرف گودال بری
دلَم و میریزه بهم طاقتم و میگیره غم
ترسم اینه اونجا بری نیایی و بیچاره شم
یا ایا حسین یا حسین

زینب نکن تو رها با یه دنیا دلواپسی
میدونی عذابم میده دوری تو و بی کسی
تو نباشی دلخون میشم آواره و گریون میشم
با دستای بسته حسین اسیر بیابون میشم
یا ایا حسین یا حسین

بی تو میشه داداش بدون زندگی به زینب حروم
یه روزه زمین گیر میشه می سوزه و میشه تموم
بی تو به خدا تا میشم می پوسم و تنها میشم
تا سر تو میره روی تا زائر سرها میشم
یا ایا حسین یا حسین



«زمینه ۵»

نبینم برادر
غریب و بی یاری
یک دنیا غم داری
این شب آخر بگو
منو به کی میسپاری
آتیشم میزنه بغض توی نگاهت
منو آب میکنه هرم شرار آهت
چی میشد که منم باشم توی سپاهت
غمینم، ببین که زارم و حزینم
الهی، هیچ موقع داغت نبینم
تو گودال، کنار پیکرت نشینم
واویلا مون از این غریبی

عصر روز فردا
تومیری تو گودال
من هم میرم از حال
تنم میلرزه وقتی
تن تومیشه پامال
یه طرف تویی که تشنه مثل کویبری
یه طرف منم و داغ غم اسیری
میمیرم اگه تو توی مقتل بمیری
سرت رو، کاشکی رونیزه ها نذارن
الهی، که پیرهنت رو در نیارن
اونا که، تودلاشون رحمی ندارن
واویلا مون از این غریبی



«زمینه ۹»

شب قدر و شبه . مناجات دعاس
شب دلواپسی . شب اشک و بکاس
نشسته تو خیمه زینب با غماش
میباره اشکای غربت از چشاش
میخونه تو گوش داداش
میمیرم . از این غم و از این دل بیقراری
میمیرم . اگه بری منو تنها بزاری

برامن سخته که . ببینم مضطری
به پاس انگار توی . دل تو محشری
چرا به زیر لب داری زمزمه
میاری دایما نام فاطمه
چشات غرق اشک و غمه
میمیرم . از این همه غم و اشکای جاری
میمیرم . اگه بری منو تنها بزاری



«واحدسنگین ۲»

قلبم و از جا نکن حرفی ز رفتن نزن
دلشوره دارم من برات دارم می خونم از چشات
می خوامی بری جونم فدات
می خوام فقط نگات کنم دلتم ازت سیر نمی شه
پیر شدی داداش هیچ کسی که یه شبه پیر نمی شه
نرو برادر بدون خواهر
اینجا منو تنها نزار غریب مادر

غریب مادر

میادهایهواهاشون صدای شمشیراشون
دور و بر خیمه ی ما خیلی زیاده کوفیا
داداش می ترسم به خدا
ای راحت اهل حرم کم نشه سایت از سرم
اگه نباشی سرمو زیر پر کی ببرم
بزار بگردم دور سر تو
گریه نکن هنوز نمرده خواهر تو

غریب مادر

دیدم توی رویاهام کنار گودال تنهام
دیدم شدی شیب الخضیب افتادی رو خاکا غریب
صحرا گرفته بوی سیب
دیدم که زیر خنجری جسم تو پرپر می زنه
مادر داره تو قتلگاه بر سینه و سر می زنه
جلوی چشمم سرت جدا شد
باورت نمی کردم سرت به نیزه ها شد

غریب مادر





شب یازدهم

شام غریبان



«زمینه ۲»

ای وای، شام غریبان شده
مهدی زهرا ازین، غصه پریشان شده
ای وای، آتیش گرفته دلا
برای اهل حرم، شبیه این خیمه ها

داره، میبینه خواهری، به روی نیزه ها، سر حسینو
یادش، نمیره شمرو که، بریده از قفا، سر حسینو

دیگه این ناله، میشه ذکر لب
زینب یا زینب، زینب یا زینب
زینب یا زینب

حالا، وقت اسیری نبود
شدن هراسون همه، میون آتیش و دود
میگه، بایه دل بی قرار
حضرت سجاد عمه، عَلَیْکِنَّ بِالْفَرَارِ

دیگه، چیزی نمونده و، تمومه خیمه ها، رفته به غارت
رسید، وقت بی حرمتی، وقت جسارت و، وقت اسارت

امشب روی نی، ارباب گریونه
شاید با ناله، داره میخونه
زینب یا زینب



«زمینه ۳»

ای خفته در خون چرا بی سری و پاره تنی
بده جواب زینب و آیا تو حسین منی
نمیشه داداش باورم که تویی حسین حرم
این تن و تو خاکستر چطوری بگیرم بغل
یا ذبیح العطشان حسین

زینب و دارن می برن با سینه ای که پر غمه
میره بی تو از کربلا پاشو و بیا بدرقه
شبای جدایی رسید موی خواهرت شد سفید
حسرت به دلش موند که سیر تن بی سرت رو ندید
یا ذبیح العطشان حسین

حالا که علمدار تم نباشه برادر غمت
کوفه رو بهم می زنم با علم و با پرچمت
با سر تو رو نیزه ها به پا می کنم کربلا
برا قیامت می کنم به مادر مون اقتدا
یا ذبیح العطشان حسین



«واحدسنگین ۲»

توخیمه‌ها بیداده روی لبا فریاده
برگشته سوی خیمه‌گاه با یال خونی ذوالجناح
تو قتلگاه افتاده شاه

یک می پرسه ذوالجناح چی به سر ما اومده
یکی می پرسه پس چرا بابا جونم نیومده
چرا بابام و تنها گذاشتی
لب تشنه جسمشوروی خاکا گذاشتی

آه و واویلاه

نشسته روی سینه زینب داره می بینه
خنجر روی خنجرشه نفسای آخرشه
روضه خونش مادرشه

داره می لرزه کربلا نشسته شمربی حیا
می زنه تا جدا کنه سر حسین و از قفا
هنوز نبسته حسین چشاشو
یکی یکی می بره با خنجر رگاشو

آه و واویلاه


بین سپاه بلوا شد سر حسین دعوا شد
یه عده میخوان سرشو یه عده انگشترشو
یه عده هم پیکرشو

تو این هیاهو خواهرش تنها میون قتلگاس
هی ناله میزنه بیا به فریاد حسین عباس
پیراهنش رو بردن به یغما

شکستن استخوناشو با سم اسبا

آه و واویلاه





تک ایستاده
واحد جفت

«تک ایستاده ۱»

توروضه چشمای آسمون ترمیشه
پرشکسته ی دل کبوتر میشه
نداره تعریفی حال و روزم ولی
حالم تو روضه هاته که بهتر میشه
بی پناهم و فقط پناه دل حسین
ذکر توبه ی سحر الهی بالحسین
آرزومه که بشم فناء فی الحسین
(یا حسین) ۲ منم اسیر روضه هات
فدای پرچم عزات
الهی مدفنم باشه کربلات
حسین وای

نگین عرش حق خاک کربلاست
و روضه الحسین عرش اعلا ی ماست
عزیز فاطمه س این شبا هر کسی
به فکر نوکری زیر این خیمه هاست
ای دلیل گریه های روضه های من
گریه هام برای تو حرم برای من
مستجابه زیر قبوتون دعای من
(کربلا) ۲ تویی ترنم لبام
گرفتی خواب از چشم
دوباره آرزومه که پیام
حسین وای ...



«واحد جفت ۱»

یه شب تو خوابم دو تا گنبد دیدم
دو تا گلدسته زیبا دیدم مثلشو هیچ جا ندیدم
یه شب تو خوابم یه خیابون دیدم
یه خیابون پر مجنون دیدم مثلشو هیچ جا ندیدم
حرم حرم میمیرم اگه نیام
حرم حرم کی میشه منم بیام
حرم حرم میدونم که رو سیام
حسین حسین یا ابا عبدالله ۲

شبهای جمعه دلامون پر غمه
یکی قدش خمه اومده بوی گل یاس
داره میخونه کنار علقمه
مادرش فاطمه روضه دست عباس
خدا خدا دلها پر احساسه
خدا خدا چشما پر الماسه
خریدار دلهای بشکسته
به فاطمه حضرت عباسه





«شور ۱»

پر مجنون کربلا ، سر و سامون کربلا
خود درمون کربلا کربلا
آرزومون کربلا ، شهر بارون کربلا
چشم گریون کربلا کربلا
تفسیر رویای من دنیای من غمهای من کربلا
ای اسمت اوج اعجاز شوق پرواز اسمی غمساز کربلا
کربلا ، می بینی دل دیگه رو به زواله
کربلا ، می بینی زندگی بی تو محاله
کربلا ، لک زده دل برای تو یه ساله
کربلا کربلا

دوا داری کربلا ، تو بهاری کربلا
عشق جاری کربلا ، کربلا
شب مهتاب کربلا ، شهر ارباب کربلا
منو دریاب کربلا کربلا

ای یادت عشقی دیرین ، شوری شیرین ، بغضی سنگین کربلا
معنای سنگ صبور ، پر از غرور ، ای شهر نور کربلا
کربلا فصل زیارتی فصل بهارم
کربلا عاشقتم ای دار و ندارم
کربلا یه جور دیگه ای دوست دارم
کربلا کربلا



شب رویا کربلا، همه دنیا کربلا دل دریا کربلا
غم بارون کربلا دل پر خون کربلا، پر مجنون کربلا
حرمت در می زخم، تا وطنم جون می کنم کربلا
می دونم، اوج غربت بوی تربت شور هیات کربلا
کربلا کسی که رفته می گه بهشته
کربلا خدا گلم رو با تو سرشته
کربلا تو شب قدری مهدی نوشته
کربلا کربلا



«شور۲»

از دعای شه‌داس، این دلم مست شماس
کار ندارم با کسی، عشق من کربلا س
من همونم که بی عشقت از همه سیرم
قلبی رو که هدیه دادم پس نمیگیرم
منورها نکن آقاجون بی تو میمیرم
بی تو میمیرم، یه کمی هم به فکر من باش
بی تو میمیرم، برسونن به گوشت ای کاش، بی تو میمیرم
بی تو میمیرم کربلا کربلا کربلا

اگه با چشمای ترم، بیام دوباره تو حرم
یه ذکر لبیک یا حسین، میگم به جای رهبرم
چی میشه با دعای تو باز خدایی شم
بدی به من بال پرواز تا هوایی شم
دوباره با سینه زنها کربلایی شم
کربلایی شم، تا ابد نوکرت میمونم
کربلایی شم، فقط از عشق تو میخونم
کربلایی شم
بی تو میمیرم کربلا کربلا کربلا



لم انم لیلی حسین، اخوتی مثلی حسین
لک محمر دمعنا، واری اهلی حسین
لک زده این دلم برا چایی موکب
چه حالی داشت توی جاده روضه هات هر شب
زائر تو شدم منم شبیه زینب
شبیه زینب، دلم میخواست آواره شم
شبیه زینب، روضه خون شیر خواره شم
شبیه زینب
بی تو میمیرم کربلا کربلا



«سور۳»

چه شبهاکه برامن گریه کردی
نبودم لایقت اماچه کردی
نه اینجاکه توی غوغای محشر
تو دنبالم میگردی ۲
نشد حتی یه بار تنهام بذاری
نشد اینکه دلم رو پس بیاری
همه ی دلخوشیم اینه آقا جون
که هومونو داری ۲
هواییه آب و خاکتم اقام اقام
سینه زن و سینه چاکتم اقام اقام
کشته مرده و هلاکتم اقام اقام
حسین عزیز فاطمه اقام اقام

دلم از دوری توش دلبالب
دوباره از ته دل میگم امشب
منو کربلایی کن آقا جون
تو رو بحق زینب ۲
بسه از کربلای تو شنیدن
شنیدن کی بود مانند دیدن
بده رخصت بیام پا بوست آقا
بسه هجرون کشیدن ۲
به حرم توجه برسم چه نرسم
از حرمت دست نمیکشم به توقسم
نذر عشق تو همه کسم همه کسم
حسین عزیز فاطمه ...



«شور۴»

عمری برات نفس زدم (قبولم کن) ۲
هرچی روحزتوپس زدم (قبولم کن) ۲
نوکر خوبی نبودم ولی توبه روم نیار
دق میکنم آگه بگی حرفات اینجا نیار
یه کربلا برای ما آقا جون بذار کنار
شب جمعه زائر کربلا س
کسیکه معتکف توروضه هاس
شبای جمعه همه زائر تن
حرمت شلوغه و برو بیاس
(حسین آقام) ۲ حسین آقام آقام آقام

چقدر به دل وعده بدم (صبوری کن) ۲
توهم یه روز میری حرم (صبوری کن) ۲
حرم نرم کجا برم تو بگوشاه کرم
خودت میدونی که به جز بام تو نمی پرم
حسرت یه کربلا س توی چشمای ترم
شده رو لوح دلم نام توحک
واسه کربلای تو دل زده لک
همنوا با شهدا و عاشقات
میخونم یا لیتنا کنا معک
حسین آقام



«شوره»

کربلای تو ، قبله گاه من
روضه های تو ، سرپناه من
بازاین دلم دوباره ، هوای گریه داره
به کی بگم آقا جون ، دلم چه بیقراره
تو دستم گرفتی ، تروضه ها نشوندی
دل اسیر من رو ، تا کربلا کشوندی
شکسته بال و پر ، میباره چشم ترم
دق میکنم آقاجون ، اگر که روزه نرم
حسین حسین آقام

تشنه ی جام ، کربلاتم من
فخرم اینه که ، خاک پاتم من
گفتم حسین و دیدم ، خدا منو نگا کرد
درای رحمتش رو ، برا همیشه وا کرد
گفتم حسین و دیدم ، منو به پاش نوشتند
حسین شد اربابمو ، منو گداش نوشتند
نمیشه رسم وفا ، بری منو نبری
میام تو روزه ی تو ، شاید منم بخری
حسین حسین آقام ...



کاشکی من آقا، کربلا بودم
پابه پات روی، نیزه ها بودم
رو نیزه ها نشستی، من پای تو نشستم
در دلم رو ارباب، رو هرچی جز تو بستم
نذرنگات اوردم، به زیر پات سرم رو
بذاریه بار ببینم، نیمه شب حرم رو
دارم صدات میزنم، نذار از اینجا برم
بده جواب منو، منم که پشت درم
حسین حسین آقام



«شور۶»

داغ کربلا جا مونده روی این دلم
باز منو ببر حرم اگر که قابلم ۲
حسرت به دلم ، ببرم به حرم
دل با رویای وصلش مدهوشه مدهوشه
شبهای جمعه دور ۶ گوشه ۶ گوشه
حسین وای

بنددوم؛

هر کسی تو روضه ها اگر یه نوکره
دستش گرفته علیا مخدره
ارباب با وفا ، اومده یه گدا
چشمای خالیم پر از خواهش افسوسه
تذکره ی کربلام دستات میبوسه



«شور ۷»

از دنیا که خسته می شم
به روزه ها رو می کنم
زیر سایه علمت
مردن آرزو می کنم
واسه پاکی نگاه چشم
خاک پای زائرانو بده
سحرای بی حرم رو بگیر
یه نسیم کربلا تو بده
عادت ندادیمون ، به این جداییها
برسون اربعین ما رو به کربلا
سیدی ثار الله ۳

از بچگیم تا به حالا
خوردم از این سفره نمک
جا داره هر شب بخونم
یا لیتنا کنا معک
کاش می شد منم باهات بودمو
منو تو اوج جنون می دیدی
کاش می شد تو کربلا بودمو
منو توی موج خون می دیدی
سنه من نو کرم ، یولون دا قان وره
سن اشاره ای لر ، من سنه جان وره
سیدی ثار الله



«شور ۸»

ای تو پرو بالم - محول الاحوالم
می گذره با ذکر شما روز و ماه و سالم
ثارالله - خورده قلب من به نام تو
ثارالله - بشم ای کاش پیرغلام تو
ثارالله - ثارالله

ثارالله - دستت رو از رو سرم نکش
ثارالله - میگیرم ذکرت با هر طپش
ثارالله - ثارالله
من غلام ابن غلام - تو امام ابن امام
تا سلام می دم به تو - انگاری تو کربلام
کربلا - اللهم ارزقنا حرم

کاشکی بشم خالص - از تو بگیرم حس
یکی بشم شبیه حر و وهب و عابس
ثارالله - بین عشقا عشق تو نفیس
ثارالله - مدح تو میگن تو هر حدیث
ثارالله - ثارالله

ثارالله - پا گرفتم از تو هیات
ثارالله - ممنونم از این محبت
ثارالله - ثارالله

طعم عشق تو لذیذ - عاشقتم ای عزیز
از خونت نکن دکم - بی شما می شم مریض
کربلا - اللهم ارزقنا حرم



از این مقام رفیع - نکنی من و تودیع
کاشکی بشه پیکر من تو کربلا تشییع
کربلا - رویای قلب دیونمه
کربلا - عکس تو قاب خونمه
کربلا - کربلا
کربلا - دیدنت چه ماجرا شده
کربلا - شاهده غصه م خدا شده
کربلا - کربلا
با تو هستم ای حرم - بشنو حرف آخرم
زائرت می شم یه روز - با دعای مادرم
کربلا - اللهم ارزقنا حرم



«شور ۹»

غصه نخور دل زارم ، یه روزی ام نصیب تو می شه
پایین پارو می بینی ، آرزویی که داشتی همیشه
به زیر قبه ی ارباب ، می شکنه بغض تو مٹ شیشه
میشه میشه حرمو یه روز می بینی
خالیه جای ما ، توی ماه خدا
میون این شبا حرم کربلا حسین
خالیه جای ما ، یه شب جمعه تو
ورودی حرم نوای مادرم حسین
خالیه جای ما ، غروب نینوا
میون خیمه گاه کنار قتلگاه حسین
آقا منو ببر کربلا کربلا کربلا

رو تل زینبیه باز، یه خواهر که داره میبینه
میونه گرد و غباری، تن برادرش رو زمینه
ببند چشمتو که شمره با خنجری رو سینه میشینه
زینب زینب، نیا نباید ببینی
خیمه رفتی بگو، تموم بچه ها
در بیارن گوشاره از تو گوشا برو
خیمه رفتی بگو بزنی دخترا
گره محکمی همه به معجرا برو
خیمه رفتی بگو همه به تن کنن
دیگه از این به بعد سیاهی عزا برو
آقا منو ببر کربلا کربلا کربلا





شور شهدایی

«شور شهدایی ۱»

اگه از عاشقی می خونیم
به خون شهدا مدیونیم
کربلایی میشه دل وقتی
یاد شلمچه و کارونیم
صدقه سر شهید، یاحسین می گیم
زیر نظر شهید، یاحسین می گیم
جای مادر شهید، یاحسین می گیم
تا خدا، پر زدیم، به هوای طلائی
این شبا، قلبمون، دوباره کربلائی
یاحسین، یاحسین، سیدالشهدا حسین

مطیع امر ولی هستیم
پیرو راه جلی هستیم
شیعه های شیر پاک خورده
عاشق سید علی هستیم
سینه زن غیرتیه، باولایته
هر کسی هیئتیه، باولایته
دلی که قیمتیه، باولایته
رهبرم، بانیه، روضه های خون خداست
شکر حق، میکنیم، خامنهایر رهبر ماست
اَنْتَ فِی ، قَلْبُنَا، سیدعلی خامنه ای



لبریز شور و شعور هستیم
تشنه ی دیدن نور هستیم
با مدد پسر زهرا
زمینه ساز ظهور هستیم
دین من دنیای من، یابن فاطمه
سوز ندبه های من، یابن فاطمه
العجل آقای من، یابن فاطمه
شیعه تو، غربته، آینَ مُعِرُّ الْأُولِیَا
بسه این، انتظار، پسر فاطمه بیا
العجل، العجل، پسر فاطمه بیا



«شور شهدایی ۲»

ما عاشق حسین فرزند حیدریم
ما زیر بار زور هرگز نمی رویم
داده راه نشون به ما اربامون
نباید زیر پابره عزتمون
هیئات من الذله

رزمنده ی حسین رزمنده ی خداس
شرمنده ی حسین شرمنده ی خداس
پیش حضرت حق رو سپیده حسین
خیلی زحمت ما رو کشیده حسین
هیئات من الذله

توی دلای ما شوق شهادته
ما خط سرخمون خط ولایته
ما کبوتریم و عاشق آسمون
جونمونو می دیم برا رهبرمون
هیئات من الذله

تو کوچه ها اگر شور حسینیه
از برکت شهیدا و خمینیه
یادمون نمی ره زحماتشونو
عاشقونه دادن همه جونشونو
هیئات من الذله



«شورشهدایی ۳»

شهدا مسرورند همنشین نورند با حسین محشورند
رسم شون مردی بود بین شون عهدی بود دیدن مهدی بود

صورتا شون خاکی پر از بی باکی دلاشون افلاکی

رفتند رفتند تا کرب و بلا رفتند

رفتند رفتند تا پیش خدا رفتند

رفتند رفتند چه بی ادعا رفتند

چهره هاشون زیبا دلاشون چو دریا ذکرشون یا زهرا(س)

آسمونی بودن آسمونی موندن راه حق پیمودن

جوونی شون دادن رها و آزادن زنده در هر یادن

رفتند رفتند تا کرب و بلا رفتند

رفتند رفتند تا پیش خدا رفتند

رفتند رفتند چه بی ادعا رفتند

مرد میدون بودن یا نه مجنون بودن مثل بارون بودن

اونا عاشق رفتن چو شقایق رفتن صاف و صادق رفتن

اما ما جا موندیم شعر حسرت خوندیم عمرمونو سوزوندیم

رفتند رفتند تا کرب و بلا رفتند

رفتند رفتند تا پیش خدا رفتند

رفتند رفتند چه بی ادعا رفتند

